

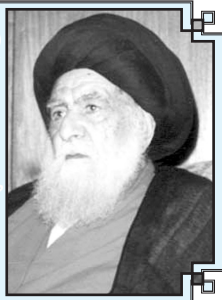
«...دعواهای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد
... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما برای
خدا است ما برای مصالح اسلامی دعا می‌کنیم...
دعوی من و شما و همه کسانی که دعا می‌کنند همه
برای خودشان است...»

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



سپاهی الهی زحمت

بسیاری از قوانین
مجازات اسلامی
ترجمه نظرات
آیت الله العظمی
خوئی است



سال سی و ششم ♦ شماره ۱۳ ♦ شماره مسلسل ۱۵۰۷ ♦ نیمه اول مهر ماه ۱۳۹۴ ♦ قیمت: ۵۰۰ تومان

نطق جهانی در افشای بنی سعود

سیدهادی خسروشاهی

جهانی کردن فاجعه منا و تأکید بر مسئولیت دولت سعودی در جان باختن زائران در حریم امن الهی در نطق رئیس‌جمهور اسلامی ایران، آقای دکتر حسن روحانی، در مجمع عمومی سازمان ملل، از جهات بسیاری حائز اهمیت و از کارهای ماندگار ایشان است و البته پیش از این هم آقای دکتر ظریف در فرصت به‌دست‌آمده در مقر سازمان ملل، با کشورهای مختلف جهان و به‌ویژه کشورهای اسلامی بر سر چگونگی اداره مراسم حج، گفت‌وگوهای مفیدی داشته است.

سال‌هاست بنی‌سعود بیشترین استفاده سیاسی، اقتصادی و مذهبی را از این فریضه واجب جهان اسلام به عمل می‌آورد. آنها کتاب‌هایی را که علیه شیعه منتشر می‌کنند، تحت عنوان کار تبلیغی و فرهنگی!! در همین ایام حج به صورت رایگان و در تیراژ بالا در اختیار حجاج کشورهای مختلف قرار می‌دهند. نرمش در برابر این مسائل، مشکلی از روابط ایران و عربستان حل نمی‌کند. نگرانی درباره مواضع حکام سعودی در این باره هم بی‌مورد است چرا که جهان شاهد بود رئیس‌جمهور ایران به سبب سوابق علمی و دیپلماتیک، با ادبیات فاخر و منطبق بر نرم‌های جهانی درباره سوءمدیریت دولت عربستان در این حادثه سخن گفت. واکنش شتاب‌زده به اصطلاح وزیر خارجه سعودی نیز حاکی از موفقیت دکتر روحانی در ایجاد توجه جهانی به از دست رفتن جان بیش از چهار هزار مسلمان در حین مناسک حج امسال است. البته سخنان جیبیری! آدمک بی تجربه‌ای که به خاطر تقریب با آمریکایی‌ها، به عنوان به اصطلاح وزیر خارجه، منصوب شده است، نشان داد که افشاکری آقای دکتر روحانی، چقدر تأثیرگذار بوده است... البته ممکن است برخی تحلیلگران به کم‌تحرکی‌ها در کشورهای اسلامی که البته بخشی از آن با دلارهای نفتی سعودی و فشار مالی این کشور بر سایر اعراب به دست آمده است، اشاره کنند و ایران را در مسئله پیگیری فاجعه منا، تنها فرض کنند، ولی این بار چنین نخواهد بود و ایران در مصائب این فاجعه تنها نیست... بعضی از دوستان از باب دفاع از منافع ملی ایران عنوان می‌کنند که بهتر است رویه‌ای دیگر در قبال عربستان در پیش گرفته شود، اما به باور نگارنده، این بار اتخاذ چنین روشی پسندیده و منطقی نیست... چرا که به خاطر عبور شاهزادگان سعودی! مسیر حرکت حجاج در منا محدود شد و این فاجعه رخ داد. از سوی دیگر، عربستان اساساً اجازه حضور کمیته حقیقت‌یاب از کشورهای مختلف برای بررسی ابعاد ماجرا را نداده است و به‌هرحال، افکار عمومی در جریان این مسائل قرار گرفته است. شرایط ایران در صحنه جهانی هم متفاوت است.

با لحن آرام اما باصلابت مسئولان کشورمان و بهبود روابط جهانی ایران در دولت یازدهم، می‌توان به نتیجه‌بخش بودن تلاش‌ها در محکومیت بنی‌سعود امید داشت. پس از کمک‌های مالی و تسلیحاتی سعودی‌ها به داعش و سایر گروه‌های تکفیری در سوریه و عراق، حمله به یمن و قتل عام مردم بی‌دفاع این کشور فقیر و البته رفتارهای عجیب هیأت حاکمه جدید و ناپخته سعودی، آگاهی‌ها در سطح منطقه و جهان نسبت به ماهیت نظام عربستان، بیشتر شده است.

سؤال مبنایی ما در سال‌های اخیر و به‌ویژه پس از حادثه تلخ منا، این است که چرا نباید از علما و کارشناسان برجسته و شناخته‌شده کشورهای اسلامی که در زمینه امر حج و مناسک آن صاحب صلاحیت هستند، شورایی برای مشاوره و همکاری با دولت عربستان تشکیل شود؟ بنای کشورهای اسلامی و ایران، دخالت در امور داخلی عربستان نیست اما انحصار روش‌های مورد قبول و هوایت در اداره حرمین شریفین مورد قبول نخواهد بود، زیرا که ادامه این امر، در آینده می‌تواند نتایج ناگوارتری نیز در پی داشته باشد.

با آگاهی‌رسانی رئیس‌جمهور و وزیر امور خارجه و به دنبال پیام و هشدار بجا و به‌موقع مقام معظم رهبری، بسیاری از رؤسای کشورهای جهان، دبیرکل سازمان ملل و پاپ، از این حادثه اظهار تأسف کرده‌اند اما در عین حال، عذرخواهی یا اظهار تأسف از سوی بنی‌سعود، «منطق دلار» بنی‌سعود که در همه کشورهای جهان، مسجد و مدرسه دینی و کتابخانه می‌سازند، به تروریست‌ها کمک مالی می‌کنند و با به‌راه‌انداختن جنگ‌های منطقه‌ای و طایفه‌ای، امنیت خاورمیانه و جهان را به مخاطره می‌اندازند، به‌تدریج کارایی خود را از دست داده است.

نگارنده پس از ۵۰ سال سابقه فعالیت‌های مذهبی، سیاسی و دیپلماتیک که عمده آن در حوزه جهان اسلام و عرب بوده است، اعتقاد دارم که می‌توان به کارشکنی‌های مصر و عربستان کاملاً بی‌اعتنا بود. در مذاکرات هسته‌ای ایران و گروه ۵+۱، فیصل وزیر خارجه وقت عربستان با پرواز اختصاصی، به محل مذاکرات رفت تا مانع از توافق شود اما روش اصولی و منطقی دیپلمات‌های ما، سرانجام نتیجه داد و لابی عربستان به نتیجه نرسید. البته ایران براساس سه اصل: عزت، حکمت و مصلحت حتماً با همه کشورها به‌دنبال روابط منطبق بر منافع دوجانبه است اما نوع رفتار مصری‌ها و سعودی‌ها به‌ویژه در دو سال اخیر که دولت یازدهم برای بهبود روابط تلاش بسیاری کرده، نشان می‌دهد، آن‌ها به‌دنبال شیوه‌های تخریبی علیه ایران هستند و علاقه‌ای به تفاهم بر پایه اصول دیپلماتیک ندارند و در این برهه، استفاده از اقتدار نظام اسلامی و پاسخ سخت و خشن، تنها راه خواهد بود... منبع: سرمقاله روزنامه شرق



به مناسبت سالروز رحلت مرجع تقلیدی مجاهد

مبارزه مسلحانه، چهار سال اسارت و زندان، تلاش در راه وحدت و دیدار با شیخ حسن البناء مرشد اخوان المسلمین

صفحه ۴

آیت الله اراکی:

وحدت امت اسلامی از اهم فرائض است

صفحه ۷

آیت الله دکتر محقق داماد در نیویورک

وظیفه عالمان دینی چیست؟

صفحه ۵

در گفتگو با آیت الله دین پرور بررسی شد:

سیاست و حکومت در سیره علوی

حقوق مردم رعایت شود و این عالی‌ترین تصویر از نظام مالیاتی برای بشر است.

با توجه به آنکه امیرمؤمنان (ع) در حکومت خود کارگزاری را به سراسر جهان اسلام برای مدیریت و نظارت بر مردم اعزام می‌کردند، چقدر مسأله شایسته سالاری را در عزل و نصب هایشان مد نظر داشتند و از این طریق آنها را به بلاد روانه می‌کردند؟

در نهج البلاغه داریم که امیرمؤمنان (ع) یکی از کارگزاران خود را تعویض کردند و در نامه‌ای که به وی نوشتند، فرمودند: اگر تو را تغییر دادیم نه برای آن است که کار تو مشکل دارد، بلکه هر کسی باید در جایی که شایسته است به خدمت گماشته شود ولو از جایی عزل و در جایی دیگر نصب شود. این یعنی شایسته سالاری در عزل و نصبهای علوی در ردیف نخست قرار داشت تا بیشترین خدمات به اسلام و مسلمانان عرضه شود. یکی از مسایل مهم در سیره سیاسی امیرمؤمنان (ع) که بعد فرازمانی و فرامکانی نیز دارد، موضوع عدالت و احقاق حقوق است که به زمان خاصی محدود نمی‌شود، بلکه همه در همیشه ایام باید آن را سرلوحه کار خود قرار دهند.

پس امیرمؤمنان (ع) به فقرزدایی هم نگاه ویژه‌ای داشته و کوشیده‌اند از این طریق عدالت و حقوق مردم را اقامه کنند!

بله، درباره فقرزدایی در حکومت امیرمؤمنان (ع) باید گفت ایشان در دوران خلافت خود بصراحت اعلام کردند در زمان من در کوفه به عنوان بزرگترین شهر جهان اسلام، وضعیت را طوری قرار دادم که همه مردم از حداقلهای زندگی یعنی سرپناه، گندم برای تغذیه و آب سالم برخوردار باشند، این در حالی است ایشان در دوران خلافتشان با سه جنگ نابرابر و تحمیلی مواجه شدند.

بنابراین، مبارزه با فقر و جلوگیری از غارت بیت المال رویکرد اساسی و مهم در حکومت علوی است که ایشان بدون کوچکترین اغماض آن را اعمال کرده و هرگز از آن عدول نکردند.

اگر فردی در این باره خطا می‌کرد و در بیت المال به سود خود تصرف می‌کرد، حضرت امیر (ع) چگونه برخورد می‌کردند؟

ایشان ابتدا با فرد خاطی نامه نگاری کرده و او را محکوم و از مقام خلع می‌کردند، افزون بر این، اموالی را که از بیت المال برداشته بود، باز می‌ستاندند؛ همچنین، اسامی خاطیان و خیانتکاران به بیت المال را اعلام می‌کردند تا مردم آنها را بشناسند. بنابراین، امروز هم ما باید تأسی از سیره علوی، افراد خیانتکار را معرفی کنیم تا آنها که اموال عمومی را به غارت برده‌اند بدانند آبرویی برایشان نمی‌ماند و از این رسوایی عبرت بگیرند.

ادامه در صفحه ۵



اعلام ولایت امیرمؤمنان (ع) به عنوان جانشین پیامبر اکرم (ص)، خط روشنی است که بشر را برای همیشه تاریخ در برابر عطش سعادت و کمال، سیراب می‌کند. با آیت... سید جمال الدین دین پرور - رئیس بنیاد بین‌المللی نهج البلاغه، نهج البلاغه پژوه و استاد حوزه - درباره سیاست و ولایت در سیره گفتاری و رفتاری علوی گفت و گو بی‌انجام شده که از نظر می‌گذرد:

در نگاه امیرمؤمنان (ع) و آنچه از نهج البلاغه و خطبه‌های آن بر می‌آید، حضرت امیر (ع) چه نگاهی به سیاست دارند؟

به طور کلی سیاست و حکومت در سبک عالی آن رسالتی الهی است، چنانکه امیرمؤمنان (ع) در خطبه سوم نهج البلاغه یا همان خطبه ششقیه درباره چرایی پذیرش حکومت می‌فرمایند: «قبال مردم و درخواست آنها و نیز عهد الهی با علما و بزرگان که در رأس آن امام معصوم (ع) است که بر ظلم ظالمان و تجاوز تجاوز کاران و محرومیت محرومان تحمل نکنند.»

این یعنی رکن اصلی در حکومت که البته فقدان آن مشکل بشریت است، این بوده که افراد مستکبر و طاغوتها روی کار آمده و نظام سیاسی، اجتماعی و مالی را در دست گرفته و حق محرومان را ضایع می‌کنند.

بنابراین، در نگاه علوی حکومت و سیاست پیمان الهی و از نظر اسلام وظیفه‌ای الهی است.

با توجه به آنکه برقراری عدالت اجتماعی، رفع تبعیض‌های طبقاتی و کاهش فقر از جمله انتظارات جامعه از حکومت و کارگزاران دولتی است؛ امیرمؤمنان (ع) چه توصیه و راهکاری در این باره دارند و خود چطور آن را عملی کرده‌اند؟

اگر کسی بخواهد معنای کامل آنچه حضرت امیر (ع) در این باره مد نظر دارند را دریابد، باید عهدنامه ایشان به مالک اشتر را مطالعه کند، زیرا ایشان در آن جنبه‌های علمی، اجتماعی و مالی را تبیین کردند که اگر اجرا شود، بدون شک مشکلات بشر حل می‌شود.

جالب آنکه شیوه امام علی (ع) در اجرای این جنبه‌ها آن است که خود تقسیم بندی کلی را انجام داده و در اجرا و ریزه کاری‌ها بر توان مردم اتکا دارند.

برای مثال ایشان درباره مالیات در قالب بخشی از درآمد دولت، نظریات کاربردی و اثرگذار دارند که می‌تواند امور کشور را اداره کند، اما امیرمؤمنان (ع) شیوه گرفتن آن و نیز برخورد با مؤدیان مالیاتی را به مردم واگذار کرده‌اند.

به عبارت بهتر امام (ع) از یکسو تصریح دارند مردم باید دین خود را نسبت به جامعه با مشارکت در تأمین مخارج آن بپردازند و از سوی دیگر تأکید می‌کنند دریافت مالیات به گونه‌ای باشد که عدالت و

خبرگزاری قدس (قدسنا)؛ دکتر سید هادی برهانی، استاد دانشگاه تهران

پروفسور ایلان پایه نویسنده مقاله ۱۰ اسطوره اسرائیلی نادرست The Ten Mythologies of Israel است. (وی موسس و مدیر مرکز اروپایی مطالعات فلسطین در دانشگاه اگزتر انگلستان است. پایه پیشتر استاد دانشگاه حیفا در اسرائیل بود اما به دلیل انتقاد از جنایات رژیم صهیونیستی از این دانشگاه اخراج شد. او بارها به دلیل این اظهارات تهدید به مرگ شده است) در مورد آن دسته از دروغهای اسرائیل است که در رسانه های غربی حاکم شده است.

این مقاله تاکنون در ایران ترجمه و چاپ نشده است. مطالب مقاله می تواند روشنگری خوبی در میان دانشجویان و قشر تحصیلکرده در زمینه فریبکاری های اسرائیل ایجاد نماید.

هر تلاشی برای حل و فصل یک منازعه در گرو شناخت ماهیت آن بوده و تاریخ منازعه منبع اصلی چنین شناختی است. یک تاریخ مخدوش یا دستکاری شده دلیل محکمی برای ناکامی در حل و فصل یک منازعه بشمار می آید در حالیکه نگاه صادقانه به گذشته و همه ابعاد آن نوید بخش حل و فصل و صلحی پایدار است. همچنانکه نمونه اسرائیل و فلسطین بخوبی نشان می دهد تاریخ مخدوش میتواند مخرب و زینبار باشد: این تاریخ میتواند به وسیله ای برای تداوم سرکوب، استعمار و اشغال بدل شود.

پذیرش گسترده روایت صهیونیستی (از تاریخ منازعه اعراب و اسرائیل) در جهان بر زنجیره ای از اسطوره ها استوار است که با ایجاد شک در زمینه حق اخلاقی فلسطینی ها و برخورد اخلاقمند با منازعه، آینده هرگونه صلح عادلانه را دچار ابهام می نماید. پذیرش این اسطوره ها بعنوان حقیقت از سوی رسانه های گروهی مسلط در کشورهای غربی و همچنین نخبانان سیاسی غرب دلیل اصلی این وضعیت است. هنگامیکه این اسطوره ها حقیقت تلقی شدند نه تنها اقدامات اسرائیل بلکه همچنین گرایش (جانبدارانه) کشورهای غربی به دخالت در منازعه را توجیه می نمایند.

ده اسطوره رایج (در کشورهای غربی) که فضای امنی برای اقدامات ضدانسانی در فلسطین فراهم آورده و همچنین زمینه فرار (اسرائیل) از مکافات (جنایاتش) را میسر ساخته در بخش زیر مطرح شده است:

۱. اسطوره شماره یک: فلسطین سرزمینی بود بدون مردم در انتظار مردمی بدون سرزمین

نخستین اسطوره در مورد سرزمین فلسطین آنرا سرزمینی خالی از سکنه معرفی می نماید که در انتظار مردمی بدون سرزمین بود. نادرستی بخش اول این اسطوره بوسیله مورخینی برجسته به موفقیّت به اثبات رسیده است. آنها توانستند نشان دهند چگونه فلسطین پیش از ورود صهیونیستهای نخستین جامعه ای پررونق، عمدتا روستایی، اما برخوردار از مرکزیّتی شهری و پرجنب و جوش بود. این جامعه مشابه سایر جوامع موجود در منطقه که تحت حاکمیت عثمانی و بخشی از امپراتوری بودند، از جنبشی ملی برخوردار بود. اگر صهیونیستها به سواحل آن نمی رسیدند این جنبش میتوانست فلسطین را به یک کشور-ملت مشخص مانند عراق و سوریه تبدیل نماید.

دومین بخش این اسطوره نیز مشکوک اما واجد اهمیت کمتری است. دانشمندان متعددی، از جمله چندین اسرائیلی، در وجود رابطه‌ای ژنتیکی میان مهاجران صهیونیست و یهودیانی که در دوره رومی ها در فلسطین می زیسته و یا از آن اخراج شده اند، تردید کرده اند. این البته موضوعی کاملا کم اهمیت تر است زیرا در موارد بسیاری جنبشهای ملی داستانهایی در مورد تولد خود ابداع می نمایند و آنرا به گذشته های دور نسبت می دهند. در اینجا مسئله مهم این است که شما

بنام این داستان چه می کنید. آیا این داستان بعنوان توجیهی برای استعمار، کشتار و اخراج دیگران مورد استفاده قرار می گیرد، و یا از آن برای صلح و آشتی بهره برداری می شود؟ این که این روایت درست یا نادرست است چندان اهمیتی ندارد. آنچه غیرقابل قبول است این است که شما بنام این داستان اهالی بومی یک سرزمین را استعمار نموده، آنها را اخراج کرده و حتی در مواردی آنها را قتل عام نمایید.

۲. اسطوره شماره دو: فلسطینی ها پیش از تاسیس اسرائیل به اقدامات تروریستی علیه مهاجران یهودی متوسل شدند

دومین اسطوره بنیادی در زمینه یهودی ستیزی فلسطینی ها و اقدامات تروریستی آنها علیه مهاجران یهودی از ابتدای ورود آنها (به خاک فلسطین) تا زمان تاسیس دولت اسرائیل است. همچنانکه خاطرات بسیاری از صهیونیستهای نخستین نشان می دهد فلسطینی ها با این یهودیان برخورد خوبی داشته، به آنها پناه و سرپناه دادند و (حتی) در موارد بسیاری به آنها یاد دادند چگونه کشاورزی نمایند. مقاومت فلسطینی از زمانی آغاز گشت که فلسطینی ها دریافتند این مهاجران برای زندگی در کنار آنها یا در میان آنها نیامده اند بلکه هدف آنها زندگی در فلسطین به جای آنهاست. هنگامی که این مقاومت شروع شد تفاوتی با سایر مقاومتهای ضد استعماری نداشت.

۳. اسطوره شماره سه: اسطوره های نادرست درباره تاسیس اسرائیل

اسطوره شماره سه پیرامون دروغهای اسرائیل در مورد جنگ ۱۹۴۸ است. در این رابطه چهار مورد قابل توجه می باشد:

الف) فلسطینی ها باید برای آنچه برای آنها اتفاق افتاده سرزنش شوند زیرا آنها طرح تقسیم سال ۱۹۴۷ سازمان ملل را رد کردند. این اتهام ماهیت استعماری جنبش صهیونیسم را نادیده می گیرد. کاملا نامحتمل است که الجزایری ها، برای مثال، با طرحی برای تقسیم الجزایر میان مهاجران فرانسوی و مردم بومی موافقت می نمودند و چنین موضعی غیرمنطقی و غیرمنصفانه بحساب نمی آمد. در نظر اخلاقی کاملا روشن است که چنین موضعی، از سوی هر ملت عربی، نمی توانست توجیهی برای ریشه کن کردن مردم فلسطین بعنوان مجازات عدم پذیرش طرح صلحی باشد که بدون هرگونه مشورتی با آنها تهیه شده بود.

ب) فلسطینی ها داوطلبانه یا بنا به درخواست رهبران عرب خانه های خود را ترک کردند. این اسطوره که فلسطینی ها داوطلبانه خانه های خود را رها کردند و یا به دعوت رهبران خود و یا رهبران کشورهای عربی همسایه لبیک گفتند که خواستار باز کردن راه برای ورود ارتشهای عربی برای آزادسازی فلسطین بودند، نیز به همان اندازه پوچ است. چنین درخواستی صورت نگرفته است. این دروغی است که در اوایل دهه پنجاه توسط وزارت خارجه اسرائیل ساخته و پرداخته شد. پس از مدتی مورخین اسرائیلی داستان را تغییر داده و مدعی شدند ترک یا فرار فلسطینی ها از فلسطین بدلیل وقوع جنگ صورت گرفته است. اما حقیقت آن است که نیمی از آنهایی که در سال ۱۹۴۸ آواره شدند قبل از شروع جنگ ۱۹۴۸ (از فلسطین) اخراج شده بودند.

ج) اسرائیل داورار با طالبوت عربی درافتاد. ۱ تحقیقات نشان می دهد که (اولا) فلسطینی ها فاقد هرگونه قدرت نظامی بودند. ثانیاً ارتشهای عربی نیروهای اندکی به فلسطین اعزام کردند که از نظر تعداد و تجهیزات و آموزش کمتر و پائین تر از نیروهای یهودی بود. مهم تر آنکه این نیروها پس از ۱۵ می ۱۹۴۸، زمانیکه اسرائیل اعلام موجودیت کرد، و در پاسخ به عملیات پاکسازی نژادی نیروهای صهیونیست (علیه فلسطینی ها) که از فوریه این سال شروع شده بود، وارد عمل شدند.

د) پس از پایان جنگ، اسرائیل دستش را برای صلح بسوی همسایگان عرب و فلسطینی دراز کرد. در مورد این اسطوره اسناد مربوطه کاملا نشان می دهد که رهبری اسرائیل با لجاجت با هرگونه مذاکره در مورد سرنوشت فلسطین و بازگشت آنانکه اخراج شده

۱۰ اسطوره صهیونیستی نادرست

یا فرار کرده اند، مخالفت می نمود. زمانیکه دولتهای عربی و رهبران فلسطینی آماده بودند در ابتکار صلحی نوین و منصفانه تر در ۱۹۴۸ مشارکت نمایند، اسرائیلی ها میانجی سازمان ملل متحد، کنت برنادت ۲، را ترور کردند و پیشنهاد کمیسیون آشتی فلسطین ۳ سازمان ملل برای از سرگیری مذاکرات را رد نمودند. این لجاجت همچنانکه آوی شلایم ۴ در کتابش، دیوار آهنین ۵، نشان داد، بعدها نیز ادامه یافت. از نظر وی برغم اسطوره موجود، که فلسطینی ها هرگز فرصتی را برای از دست دادن صلح از دست نداده اند، این اسرائیل بود که مستمرا پیشنهادهای ارائه شده برای صلح را رد می کرد.

۴. اسطوره شماره چهار: اسرائیل تا ۱۹۶۷ دولتی دموکراتیک و متعادل بود

چهارمین اسطوره در مورد طبیعت دموکراتیک و متعادل اسرائیل قبل از جنگ ۱۹۶۷ است که بدنبال صلح با همسایگان و اعطای حقوق برابر به همه شهروندان بود. این اسطوره ای است که حتی توسط برخی دانشمندان مطرح فلسطینی یا طرفدار فلسطین نیز بازتولید شده اما فاقد اساس تاریخی است. یک پنجم شهروندان اسرائیلی (اعراب) با توسل به مقررات سختگیرانه شرایط اضطراری، که در دوران قیمومیت انگلستان وضع شده بود، تحت حکومت نظامی بیرحمانه ای بودند که آنها را از حقوق اولیه بشر و مدنی محروم می کرد. در این مدت بیش از پنجاه شهروند فلسطینی بدست نیروهای امنیتی اسرائیل کشته شدند. در همین مدت اسرائیل سیاستی سلطه جوینانه علیه همسایگان عرب خود دنبال می نمود: به آنها به دلیل اجازه به آوارگان برای تلاش جهت بازگشت (به فلسطین) و پس گرفتن اموال و املاک (از دست رفته) حمله می نمود. (در همین مدت) اسرائیل در تبانی با کشورهای انگلستان و فرانسه تلاش نمود حکومت مشروع جمال عبدالناصر را سرنگون نماید.

۵. اسطوره شماره پنج: مبارزه فلسطینی ها هدفی جز ترور ندارد

پنجمین اسطوره آن است که مبارزه فلسطینی ها هدفی جز تروریسم ندارد. مبارزه ای که بوسیله سازمان آزادیبخش فلسطین رهبری شد مبارزه ای آزادیبخش علیه یک پروژه استعماری بود. در عین حال برای جهان سخت بود مبارزه ضداستعماری مشروعی که اکثریت قربانیان آن مسلمان و ستمگران آن یهودی بودند را برسمیت بشناسد.

۶. اسطوره شماره شش: اسرائیل مجبور شد کرانه باختری و نوار غزه را در ۱۹۶۷ تصرف نماید، و ناچار است این سرزمینها را تا زمان پذیرش صلح از سوی دیگران نگاه دارد ششمین اسطوره می گوید جنگ ۱۹۶۷ اسرائیل را وادار نمود کرانه باختری و نوار غزه را تصرف نموده و بعنوان گروگان در اختیار بگیرد تا جهان عرب یا فلسطینی ها وادار شوند صلح با دولت یهودی را بپذیرند. نخبانان سیاسی و نظامی اسرائیل به جنگ ۱۹۴۸ بعنوان فرصتی ضایع شده می نگرند: لحظه ای تاریخی که اسرائیل می توانست تمامی فلسطین تاریخی (از رود اردن تا دریای مدیترانه) را تصرف نماید. تنها عاملی که مانع انجام این کار شد توافق ضمنی با پادشاهی اردن هاشمی بود: به پاداش مشارکت محدود اردن در جنگ اعراب (علیه اسرائیل) به اردن اجازه داده شد کرانه باختری را ضمیمه خاک خود نماید. پس از ۱۹۴۸، نخبانان اسرائیل به دنبال فرصتی بودند، و از نیمه دهه شصت (میلادی) به دقت آنرا برنامه ریزی می کردند، تا چگونه همه (خاک فلسطین) را به چنگ آورند.

در چندین موقعیت تاریخی دیگر اسرائیلی ها در صدد اجرای این برنامه برآمدند اما در آخرین لحظات از اجرای آن منصرف شدند. موارد مشهور مربوط به سالهای ۱۹۵۸ و ۱۹۶۰ می باشد. در سال ۱۹۵۸، رهبر کشور و اولین نخست وزیر آن، دیوید بن گوریون، بدلیل نگرانی از واکنشهای بین المللی عملیات را در آخرین لحظه ملغی نمود. در ۱۹۶۰، دلیل اصلی عقب نشینی بن گوریون از این برنامه نگرانیهای دموگرافیک ناشی از جذب جمعیت کثیر فلسطینی در اسرائیل بود. بهترین فرصت در ۱۹۶۷ فراهم شد، براساس (یکی دیگر از)

اسطوره های اسرائیلی این کشور رغبتی به جنگ با اردن نداشت، اما مجبور شد به تجاوز اردن واکنش نشان دهد. اگر این نمونه یکی از موارد تنش های (مکرر) میان دو کشور بود، باقی ماندن اسرائیل در کرانه باختری (پس از جنگ) ضرورتی نداشت. الحاق کرانه باختری و غزه به اسرائیل برنامه ای اسرائیلی از سال ۱۹۴۸ بود که در ۱۹۶۷ محقق گردید.

۷. اسطوره شماره هفت: اسرائیل کرانه باختری و غزه را با نیاتی خیرخواهانه تصرف نمود، اما (در ادامه) مجبور شد به خشونت فلسطینی ها پاسخ دهد

هفتمین اسطوره دال بر نیت (اولیه) اسرائیل برای اشغال کرانه باختری و غزه براساس اصول خیرخواهانه است که بدلیل خشونت فلسطینی ها بناچار به سیاستی سخت گیرانه تر بدل گردید. اسرائیل از همان آغاز هرگونه درخواستی برای پایان دادن به اشغال – چه از طرق مسالمت آمیز و چه از طریق مبارزه را- را تروریسم بشمار آورد. از ابتدا هر گونه مقاومتی با واکنش بیرحمانه و تنبیه دسته جمعی فلسطینی ها مواجه گردید.

فلسطینی ها در برابر دو انتخاب قرار داده شدند: پذیرش زندگی در زندان باز اسرائیل ضمن برخورداری محدود از خودمختاری، و حق کار در اسرائیل بعنوان کارگر ارزان، و (در عین حال) محروم از حقوق کارگران، و یا مقاومت، حتی مقاومت ملایم، و پذیرفتن خطر زندگی در زندانی با تدابیر امنیتی شرایط اضطراری، و تحمل انواع مجازاتهای دسته جمعی، شامل تخریب منازل، بازداشت بدون محاکمه، اخراج، و در حالتهای شدیدتر ترور و قتل.

فلسطینی ها باید با این واقعیت رابپذیرند – یا مجازاتهای دسته جمعی را تحمل نمایند – که اسرائیل بطور یکجانبه در مورد بخشهایی از کرانه غربی و غزه که از آنها گرفته شده و برای همیشه به اسرائیل ملحق خواهد شد بطور یکجانبه تصمیم خواهد گرفت. در حال حاضر، بیش از نیمی از کرانه باختری به نوعی به اسرائیل ضمیمه شده، در همین حال نوار غزه از شمول سرزمینهایی که اسرائیل مایل است بر آن سلطه مستقیم اعمال نماید خارج شده است.

بخشی از این اسطوره به ادعاهایی در مورد سازمان آزادیبخش فلسطین و مبارزه آن مربوط است که توسط صهیونیستهای لیبرال در آمریکا و اسرائیل مطرح شد و توسط سایر نیروهای سیاسی در اسرائیل مورد استفاده قرار گرفت. براساس این ادعا سازمان آزادیبخش فلسطین متهم شد که جنگی تروریستی را – در داخل اسرائیل و خارج آن- با هدف نهایی ترور براه انداخته است. متأسفانه این ابلیس نمایی همچنان در غرب حاکم بوده و از سال ۲۰۰۱ از طریق یکی دانستن اسلام، تروریسم و فلسطین قوت گرفته است.

در واقع موقعیت سازمان آزادیبخش فلسطین بعنوان تنها نماینده مشروع مردم فلسطین بیش از به رسمیت شناختن اسرائیل مورد تایید کشورهای (جهان) قرار گرفته است. قابل توجه است که این ابلیس نمایی حتی پس از توافق اسلو در ۱۹۹۳، که طی آن ظاهرا اسرائیل ساف را بعنوان شریک مشروع خود برسمیت شناخت، نیز ادامه یافت. حتی حکومت (خودگردان) فلسطینی همچنان از سوی اسرائیل بسان سازمانی تصویر می شود که از ترور حمایت می نماید. بدترین نوع ابلیس نمایی که جهان غرب را قانع نمود به تحریم سیاسی متوسل شود، علیه حماس بکار گرفته شد. در حالیکه جامعه مدنی بین المللی چنین برخوردی را به زیر سوال برده است، رسانه های گروهی مسلط و سیاستمداران همچنان در دام این فریبکاریها گرفتارند.

۸. اسطوره شماره هشت: پیمان اسلو محصول تمایل طرفین برای حل و فصل (مسئله) بود

هشتمین اسطوره دال بر این است که پیمان اسلو تبلور فرایند صلح و خواست طرفین برای حل و فصل (مسئله) است. ایده تقسیم فلسطین در دهه سی ایده ای صهیونیستی بشمار می رفت که فلسطینی ها با آن مخالفت نمودند. این مخالفت تا اواخر دهه ۱۹۸۰ ادامه داشت.

ادامه در صفحه بعد

سیاسی - اجتماعی - فرهنگی	
بشش ۳	شماره ۱۳
	شماره مسلسل ۱۵۰۷
سیاسی	نیمه اول مهر ۱۳۹۴
پست الکترونیک: besatonline@gmail.com	

بسیاری برای حکومت سعودی‌ها خواهد داشت.

با این که اتفاق منای سابقه نیست و حج در عربستان در سال‌های دهه ۹۰ و ۲۰۰۶ نیز شاهد چنین حوادثی بوده، اما این که در کمتر از دو هفته دو اتفاق – دیگری حادثه سقوط جرثقیل در کعبه – رخ دهد، این پرسش را در میان همه مسلمانان و جهانیان ایجاد کرده که آیا سعودی‌ها با آن همه ثروت و قدرت قادر به تامین امنیت حجاج هستند؟ آیا آنها با این همه پول نمی‌توانند استانداردهای بالا و با کیفیتی را برای زیارت حجاج از سراسر جهان تامین کنند؟

انتتهای راه

ناآرامی‌هایی که در عراق، سوریه و یمن وجود دارد، نمی‌تواند نتایج مثبتی برای سعودی‌ها به همراه داشته باشد. آنچه به عنوان نیروهای نیابتی در یمن یا سوریه مطرح می‌شود تنها مقاومت مردمی این کشورها علیه ظلم و تجاوزی است که آل سعود به نمایندگی از اسرائیل و غربی‌ها در منطقه به راه انداخته است.این نیروی مزدور غرب ناچار به کنار آمدن با واقعیاتی است که مدت هاست در خاورمیانه و حتی سایر نقاط جهان مشهود است: ظهور داعش به عنوان تهدیدی برای منافع غرب و متحدان عرب آن، تقویت توانمندی ضدامپریالیستی مسکو، تهران و پکن و بازگشت کمان تروریسم به عاملین آن مانند بحران پناهجویان در اروپا.

سردمداران ناتوان

گاردین می‌نویسد کفایت یک مرد همه چیز است. ملک سلمان، پادشاه عربستان مردی ناتوان است و محمد بن نایف ولیعهد او که مسئول اصلی امنیت حج است نیز به‌شدت ضعیف عمل می‌کند. از طرفی دشمنی محمد بن سلمان که مسئول اصلی جنگ یمن است با ولیعهد، باعث بروز انتقادات و حملات فراوانی در خاندان حکومتی عربستان شده است. این که عربستان تا کی می‌تواند چنین وضعی را تحمل کند یک سوال بزرگ است، اما حادثه منا به مشکلات قبلی رژیم سعودی اضافه شده و پرسش‌های فراوانی را علیه این رژیم ایجاد کرده است.

منبع: جام‌جم آنلاین

سیاست و چنین اسطوره هایی است که موجبات تداوم یهودی ستیزی را فراهم نموده است. آنچه اسرائیل انجام می دهد با اصرار بنام یهودیت صورت می گیرد. لاجرم این امر، در ذهن مردمان کژتاب، رابطه ای میان استعمار صهیونیستی و دین یهودیت ایجاد می نماید. یهودیت باید چنین ارتباطی را نفی نماید.

در واقع، براساس ارزشهای جهانی، حق هر انسانی که در فلسطین زندگی می کند (یا از آن اخراج شده است) باید مورد احترام باشد. حق برابر همه مردمان اسرائیل و فلسطین برای برخورداری از زندگی باید مقصد اعلای همه تلاشهائی باشد که هدف آنها صلح و آشتی در منطقه است.

پی نوشت ها

۱-منظور نویسنده از این عبارت تصویر مقایسه صورت گرفته میان ارتشهای عربی و اسرائیلی است که در آن امکانات طرف اسرائیلی نسبت به طرف عربی کاملا ناچیز بحساب آمده است.

۲-COUNT BERNADOTTE

۳- THE PALESTINE CONCILIATION COMMISSION (PPC

۴-AVI SHLAIM

5-THE IRON WALL

۶- تکه زمینی که از سوی رژیمهای نژادپرست (آپارتاید آفریقای جنوبی برای مثال) برای زندگی و اقامت سیاهان در نظر گرفته می شود.

۷- این مقاله در کتاب غزه در بحران (GAZA IN CRISIS) و بعنوان اولین فصل آن به چاپ رسیده است.

فروپاشی آل سعود اجتناب‌ناپذیر است

عربستانی‌ها فراهم کرده است. به علاوه این که این دولت هیچ گونه تدابیر پیشگیرانه‌ای درخصوص تغییرات آب و هوایی که اثرات گسترده‌ای بر این کشور داشته، ندارد. ازجمله این تغییرات می‌توان به گرمای بیش از حد هوا یا کاهش ذخایر طبیعی آب اشاره کرد که می‌تواند طی سال‌های آینده بحرانی غیرقابل جبران ایجاد کند.

جنگ و تجاوز

پس از مرگ ملک عبدالله، پادشاه پیشین و روی کار آمدن سلمان، کابینه وی – که عموماً را افراد جوان و بی‌تجربه باسودای قدرت تشکیل شده – مقدمه تشدید مشکلات داخلی و بین‌المللی این رژیم را فراهم کرد. یکی از اقداماتی که به اذعان بسیاری از تحلیلگران اشتباهی فاحش برای سلطنت سعودی به شمار می‌آید، تجاوز به یمن با تشکیل ائتلافی از ده کشور عربی دیگر بود. بیش از شش ماه است که جنگنده‌های این ائتلاف با هدف قرار دادن شهرهای یمن به بهانه مبارزه با انصارالله، تنها زنان، کودکان و سالمندان را به خاک و خون می‌کشاند تا شاید راهی برای بازگشت منصوره‌ادی به راس قدرت در صنعا و بازبایی یمن به عنوان حیاط خلوت ریاض باز شود.

پایگاه خبری الخبر پرس در گزارشی نوشت، تجاوز عربستان سعودی و یمن در پی بروز اختلافات گسترده در خاندان پادشاهی و در نتیجه تشدید درگیری ارتش عربستان و ارتش یمن با پشتیبانی کمیته‌های مردمی کاهش یافته است. این در حالی است که پیشروی ارتش یمن در مرزها ادامه دارد و هشدارها درباره بازپس‌گیری شهرهای اشغال شده از سوی عربستان سعودی را بیشتر کرده است. منابع نزدیک به خاندان پادشاهی عربستان سعودی از بروز اختلافات گسترده بین امرای سعودی خبر می‌دهند. نگرانی‌های گسترده در ریاض بعد از کشته شدن فرمانده نیروی هوایی عربستان و به اسارت درآمدن فرمانده گارد ملی این کشور از سوی ارتش یمن و کمیته‌های مردمی وابسته به انصارالله ایجاد شده است. این منابع تأکید دارند که شاهزادگان سعودی، ملک سلمان و فرزند وی را مسئول شکست ارتش عربستان می‌دانند، به‌ویژه این که محمد بن سلمان در اقدامی جسورانه و غیرقابل توجیه در حالی عربستان سعودی را ترک کرده که ارتش این کشور ضربات درد آور و پی در پی در جنگ دریافت می‌کند.

شاهزادگان معترض به این حملات تأکید دارند که

برتری قدرت نظامی اسرائیل. مدرک گویایی از سوی خبرنگاران روزنامه های اسرائیل مطرح شده که نشان می دهد چگونه گزارشهای (خبری) آنان از مراحل اولیه انتفاضه – سرکوب خشن اعتراضات مسالمت آمیز (فلسطینی ها)– توسط سردبیران این نشریات به گونه ای پیچیده می شد که با روایت رسمی حکومت (اسرائیل) مطابقت داشته باشد.

این روایت که فلسطینی ها با استفاده از زور فرایند صلح را عقیم کردند و این امر صحت نظرات اسرائیل در مورد آنها را تایید می نماید– که آنها هیچ فرصتی را برای از دست دادن صلح از دست نمی دهند و اینکه در طرف فلسطینی کسی وجود ندارد که بتوان با او گفتگو نمود– کاملاً بدبینانه است. دولت و ارتش اسرائیل تلاش کردند تا با اعمال زور برداشت خود از پیمان اسلو را به فلسطینی ها تحمیل نمایند – برداشتی که می خواست اشغال را برای همیشه، و با اخذ رضایت از فلسطینی ها، تثبیت نماید – امری که عرفات ضعیف نیز نمی توانست آنرا قبول نماید. او و بسیاری دیگر از رهبران فلسطینی که توان هدایت گفتگوهای صلح را داشتند هدف قرار گرفتند: بسیاری از آنها، و ترجیحا خود عرفات، (در این برنامه) ترور شدند.

۱۰. اسطوره شماره ده: حل (مسئله) در اسرائیل و فلسطین بسیار ساده و قابل حصول است

دهمین و آخرین اسطوره اسرائیلی بر ساده و در دسترس بودن یک راه حل برای مسئله فلسطین استوار است: راه حل دو دولت (TWO STATE SOLUTION) اجرا می شود و درگیری پایان می یابد.

این روزها عربستان مشکلات زیادی دارد. جنگ قدرت در خاندان حکومتی، کاهش وحشتناک قیمت نفت و دخالت نافرجام و غیرعقلانه در یمن و ارتکاب جنایات جنگی در این کشور مسلمان، وضعیت بدی را برای عربستان سعودی به وجود آورده است، به طوری که به گفته کارشناسان، ریاض باید سال‌ها تبعات این بحران‌ها را متحمل شود.

اخیرا نیز یکی از اعضای ارشد خاندان سلطنتی آل‌سعود، خواستار تغییر در رهبری این کشور به منظور جلوگیری از فروپاشی پادشاهی سعودی‌ها شد. وی که یکی از نوادگان ملک عبدالعزیز است، ملک سلمان را به ایجاد معضلات بی‌سابقه متهم کرد و گفت بقای سلطنت را در معرض خطر قرار داده است. به نظر می‌رسد این مساله یکی دیگر از نشانه‌های آغاز کودتای داخلی در سلطنت آل‌سعود است که عربستان را با توفانی از چالش‌های بی‌پایان مواجه خواهد کرد؛ توفانی که طی یک دهه، آینده پادشاهی سعودی‌ها را نابود می‌کند. در همین ارتباط، پایگاه اینترنتی میدل ایست آی در یادداشتی نوشت: واقعیات ساختاری و بنیادین در چارچوب پادشاهی آل‌سعود نشان می‌دهد این سلطنت در آستانه فروپاشی است؛ فرآیندی که به احتمال فراوان طی سال‌های آتی روی خواهد داد.

طلای سیاه

نخستین منبع درآمد عربستان، صادرات نفت بود، اما اقدام اخیر این کشور در پمپاژ دیوانه وار این کالا به بازار جهانی موجب کاهش بی‌سابقه بهای نفت شد که به اذعان بسیاری از کارشناسان بین‌المللی دلیل اصلی آن نه کاهش تقاضای داخلی و افزایش تقاضای خارجی است بلکه دلایلی صرفا سیاسی و استراتژیک دارد که مقامات سعودی آن را انکار می‌کنند. در حالی که ذخایر نفتی عربستان، این کشور را به ثروتمندترین کشور نفتی جهان بدل کرده بود، مردم آن در وخیم‌ترین اوضاع اقتصادی و رفاهی به سر می‌برند. دیدگاه کوتاه بینانه کابینه سعودی نه‌تنها موجب آسیب به اقتصاد سایر کشورهای عرضه‌کننده نفت در جهان شده، بلکه با حذف رقبا و محروم‌سازی کشور از درآمد بیشتر، فقرای خود را بیش از پیش در معرض سختی و فقدان شرایط اولیه زندگی قرار داده است. نرخ بالای بیکاری و بی‌توجهی حکومت به تورم و کاهش توانایی خرید مردم موجبات رشد نارضایتی را در میان اکثریت قریب به اتفاق

ادامه از صفحه قبل

در این مدت سهم (فلسطینی ها) از زمین در پیشنهادهای اسرائیل از ۵۰ درصد به ۱۵ درصد تقلیل یافته است. کشور نامیدن این سهم ۱۵ درصدی نمی تواند این حقیقت را پنهان نماید که پیمان اسلو، که ساخته و پرداخته اسرائیلی هاست، چیزی بیش از بانتوستانی۶ (BANTUSTAN) تکه تکه برای فلسطینی ها در نظر نگرفته و حتی برای بازگشت میلیونها فلسطینی، یا حل مشکل آنان، قائل نیست. اسلو محصول مجموعه شرایطی بود که ساف و رهبر آن یاسر عرفات را در حدی تضعیف نموده بود که او برغم توصیه بهترین دوستانش و با امید به کسب استقلال، حداقل در بخشی از فلسطین، وارد این فرایند شد. نتیجه نهایی این امر نابودی تقریباً کامل فلسطین و فلسطینی ها بود.

۹. اسطوره شماره نه: انتفاضه دوم عملیات تروریستی گسترده ای بود که توسط عرفات سازماندهی شده بود

اسطوره شماره نه می گوید انتفاضه دوم برنامه تروریستی کلانی بود که بوسیله عرفات حمایت، و به نوعی، برنامه ریزی شد. انتفاضه دوم در حقیقت نمایش نارضایتی عمومی از خیانت (اسرائیل) در جریان پیمان اسلو بود که از اقدامات تحریک آمیز آریل شارون و نزدیکان وی در اماکن مقدس مسلمانان در فلسطین تأثیر پذیرفت. اعتراضات مسالمت آمیز (اولیه) فلسطینی ها با بیرحمی توسط اسرائیل سرکوب شد که به واکنش (شدیدتر) فلسطینی ها انجامید: استفاده وسیع از حملات انتحاری بعنوان آخرین وسیله (برای مقاومت) در برابر

هفتم ذی حجه، سالروز وفات فقیه مجاهد آیت‌الله سید محمد تقی خوانساری می‌باشد. وی در اردیبهشت سال ۱۲۶۷ ق، در خوانسار و در خانه سید اسدالله، عالم بزرگ شهر، متولد شد و نسب ایشان در نهایت به امام موسی بن جعفر (علیه السلام) می‌رسد. پس از طی مراحل مقدماتی علم آموزی، وارد حوزه علمیه خوانسار شد که به برکت پدر و اجداد سید محمدتقی و دیگر فرزانه‌های علمی‌اش رونقی داشت. سرعت فراگیری سید محمد تقی چنان بود که به هفده سالگی نرسیده، ادبیات عرب و دیگر پایه های مقدماتی علوم اسلامی را فراگرفت و در همین مدت قسمتهایی از فقه و اصول دوره سطح را نیز خواند.

خوانساری جوان پس از مشورتهایی که با پدر کرد، برای تکمیل اندوخته‌ها رهسپار حوزه دیرپای نجف شد. هجرت به نجف بر شتاب حرکت او افزود و در نجف پس از تکمیل درسهایی ناتمام، در درس محققان بزرگ این رشته‌ها حاضر شد. وی چهار سال در درس فقیه و محقق بزرگ اصولی آیت‌الله آخوند خراسانی شرکت کرد و در کنار این درس به درس فقیه برجسته آیت‌الله سید محمد کاظم طباطبایی یزدی هم حاضر می‌گشت، بعد از ارتحال این دو، او از درسهایی آیت‌الله ثائینی و آیت‌الله آقا ضیاء عراقی نیز بهره جست. آقا ضیاء عراقی - که بارها مقام این شاگردش را ارج نهاده و گفته بود: «حفظ مقام و نگهداری شئون آقای خوانساری را مانند علمای متاخر بر خود فرض می‌دانم»، هنگامی که او بعدها به ایران بازگشته بود، اجتهادنامه وی را از نجف برایش فرستاد و افزون بر این، آقای خوانساری از این استاد خود اجازه روایی نیز دریافت کرده است.

حماسه جهاد

با شروع جنگ جهانی اول که حکومت عثمانی به نفع آلمان درگیر این جنگ شده و در صف متحدین قرار گرفت، قلمرو عثمانیها در حیطه جنگ واقع گردید و در ۲۸ آبان ۱۲۹۳ ق بصره و حوالی آن به تصرف قوای انگلیس درآمد، دولت عثمانی از روحانیون کمک طلبید و علمای شیعه با آنکه با استبداد گسترده از طرف آن دولت بر جامعه اکثریت شیعی عراق روبرو بودند، نتوانستند در چنین هنگامه‌ای ناظر پایمال شدن سرزمین مقدس عراق شوند، به همین دلیل، جمع بسیاری از مراجع فتوای جهاد دادند و چون خود در سنین پیری بودند فرزندان‌شان را به نیابت خویش رهسپار نبرد کردند و گروه دیگری از مجتهدان نیز خود راهی صحنه جهاد گشتند. در این میان آیت‌الله خوانساری نیز کرسی درس و تحقیق را رها کرد و در صف رهسپاران جهاد قرار گرفت. او به گروه مجاهدانی که به همراه آیت‌الله سید مصطفی کاشانی عازم نبرد بودند، پیوست این گروه سوار بر کشتی در رود دجله و فرات پیش تاختند و خود را به صفوف مقدم جبهه در حوالی بصره رسانیدند.

آیت‌الله خوانساری در سنگرهای مقدم جبهه همراه با همدران خود آیات سید ابوالقاسم کاشانی و بختیاری زاده مستقر گشت و با هزار تیری که داشت و با مهارتی که در تیراندازی یافته بود، رشادت شایسته‌ای از خود نشان داد و آنگاه که دشمن برای درهم شکستن مقاومت جنوب هجومی سخت را آغاز کرد، او پر نشاط بود و خنده‌های بلندش تعجب دوستان را برمی‌انگیخت و وقتی هم که سایه رخوت بر گروهی از جنگاوران افتاد باز فریاد او که حرام بودن عقب نشینی در برابر دشمن را اعلام می‌کرد، پرطنین گشت و شگفت‌تر زمانی بود که با تنگ‌تر شدن حلقه محاصره دشمن مجاهدان مہیای مرگ می‌شدند و او شور نماز داشت و همگان را به آن می‌خواند، گویی نماز عاشورایی امام حسین (علیه السلام) در ذهنش تداعی یافته بود. قوای دشمن پیروزیهایی شایانی در جبهه فرات به دست آورد ولی شکست در کوت العماره پای رفتن را از آنان گرفت و به ناچار جبهه جنگ از جنوب به شرق تغییر یافت. با اشغال بغداد که مقارن با پیروزیهایی دیگر متفقین بود، پایان جهاد فرا رسید و اشغالگران در تعقیب نیروهای مقاومت برآمدند، دستگیریهایی وسیعی آغاز گشت و سرانجام خوانساری جوان هم که در نبرد از قسمت پا مجروح شده بود، دستگیر شد، مجاهدان عرب تنها با سپردن تهمدی آزاد گشتند اما برخورد با مجاهدان دیگر متفاوت بود و انگلیسی‌ها از آزاد کردن آنان اجتناب

به مناسبت سالروز رحلت مرجع تقلیدی مجاهد

مبارزه مسلحانه، چهار سال اسارت و زندان، تلاش در راه وحدت و دیدار با شیخ حسن البناء مرشد اخوان المسلمین

نداشت، بی سیم های پادگان خاکفرج به کار افتاد و خبر این حادثه شگفت به جهان مخابره شد و در مدتی کوتاه پس از تایید آن از طرف مقامهای رسمی لندن و آمریکا، از طریق رادیو انعکاس جهانی یافت.

حج نمونه

تا شهریور ۱۳۲۸ ش هفت سال می گذشت که ایران از حج محروم بود، لذا حضور روحانیان که تشنه‌تر از همه می‌نمودند در این حج، حضوری پر جلوه بود، حضوری آنچنان که حج آن سال را حجه‌العلما نامیدند. روحانیان بزرگی چون آیت‌الله میرزا محمد فیض و تنی چند از علمای برجسته در این حرکت به چشم می‌خوردند. آیت‌الله خوانساری هم به دعوت یکی از بازاریان تهران به این کاروان پیوست، در همان روزهای نخست ورود ایشان به مکه او وحدت آفرین گشت و با اعلام ثبوت رویت ماه از طرف ایشان اختلاف رخت بریست و وقتی هم که جمعی از شیعیان از او تقاضای برپایی جماعت نمودند، او بی اعتنا به درخواست ایشان، به نماز جماعت برادران اهل سنت رفت، چه آنکه این حج برای همبستگی بود و دلبستگی و دمیدن روح برادری، تا در سایه وحدتی ظاهری روحها به وحدت رسند. در مدینه محل اقامت آیت‌الله خوانساری به محل آمد و شد هیات‌ها و کاروانهای مذاهب مختلف تبدیل شد که از جمله آنها هیات علمای مصر به سرپرستی شیخ حسن البناء، مرشد عام جمعیت اخوان المسلمین بود.

فتوای شور آفرین

آیت‌الله خوانساری همگام با آیت‌الله حاج آقا حسین قمی، پیشگام مبارزه علیه کشف حجاب رضاخانی نیز به شمار می‌رود، و در آن جو پر اختناق بر فتوای روشنگرانه خود بر ضروری بودن حجاب پای فشرده. همچنین با شروع شکل گیری توطئه اشغال فلسطین، آیت‌الله خوانساری با فریاد آیت‌الله کاشانی همنا بود و در فتوایی فداکاری و کمک مسلمانان را در قضیه فلسطین و جنگ صهیونیسم واجب شمرد. سرانجام فریادها کارساز شد و هزاران فدایی اسلام آماده عزیمت به فلسطین گردیدند اما با سنگ اندازی های دولت وقت این اعزام چشمگیر انجام پذیرفت. همگامی آیت‌الله خوانساری با آیت‌الله کاشانی مرزهای فратری پیمود. او با فتوایی سرنوشت ساز ملی شدن نفت را اعلام کرد و قطع دست غارتگران را از این سرمایه خدا داد خواهان گردید. در هنگام برگزاری انتخابات مجلس هفدهم که پس از پیروزی نهضت ملی انجام گرفت، ایشان بار دیگر به یاری رهبری نهضت آیت‌الله کاشانی شتافت و در فتوایی مهم شرکت در انتخابات را ادای وظیفه شرعی دانست و سستی در این راه را عملی مسوولیت آفرین در پیشگاه خدا قلمداد نمود. انتشار این فتوا، تاثیر بسزایی در انتخابات مزبور گذاشت و در تهران تاثیر آن شگفت آورتر بود.

وفات

سال ۱۳۳۱ ش علما و مردم شهر همدان که از حال نامساعد آیت‌الله خوانساری با خبر بودند، از او خواستند تابستان را در هوای ییلاقی همدان سپری کند با قبول این درخواست، آیت‌الله خوانساری با همراهانش آیت‌الله اراکی، آیت‌الله آخوند ملاعلی همدانی، امام خمینی و فرزند بزرگشان سید محمد باقر و آقای مجتبی عراقی راهی آنجا گردید. آیت‌الله خوانساری در استقبالی پر شور وارد شهر شد و در پی اغتنام از انفاست قدسی او مردم شهر از وی تقاضای اقامه جماعت در مسجد جامع کردند، در یکی از آن روزها که او برای برپایی نماز به مسجد می‌رفت، در بین راه دچار حمله قلبی گشت و سرانجام نزدیکه‌های ظهر هفتم ذیحجه ۱۳۳۱ ق به احرام جانان در آمد و لبیک گوین به سرای او شتافت و چنین شد که روای آیت‌الله بروجردی نیز تعبیر گشت او در روایی در همان شبهای قبل از وفات آن فقیه نامدار دیده بود که سید مرتضی رحلت کرده و او را به شهر قم می‌آورند. قبر او اینک در مسجد بالاسر حرم مطهر حضرت معصومه (علیها السلام) هم آغوش استادش آیت‌الله حائری قرار دارد.

منبع: روزنامه جمهوری اسلامی



خوانساری واجب احتیاطی بود، در حوالی سال ۱۳۲۰ بعد از سالیان سال این نماز متروک و مهجور مانده، از سوی آن فقیه بزرگ در مدرسه فیضیه احیا شد بگونه‌ای که بعدها فیضیه هم گنجایش خیل مشتاقان را نداشت و مکان نماز به مسجد امام حسن عسکری (علیه السلام) انتقال یافت. برگزاری این نماز چنان پرتاثیر شد که به دنبال آن در بیشتر شهرها نماز جمعه جانی تازه گرفت.

نماز باران

یکی از حوادث مهم زندگی معنوی آیت‌الله خوانساری، نماز بارانی است که او آن را اقامه نمود تا تجلی دعا و نماز را در زندگی به گونه ای ملموس آشکار کند، در شهریور ۱۳۲۰ که متفقین در ایران به طور انبوه حضور یافتند، موجی از قحطی و نابسامانی در کشور به راه افتاد، قسمتی از سپاه متفقین در منطقه خاکفرج قم استقرار یافته و بعد از مدتی کنترل شهر در دست آنان قرار گرفت. اشغال هنوز ادامه داشت که زمینهای مساعد و وسیع شهر قم - که به صورت دیم کشت می‌شد - با گذشت دو ماه بهاری از سال ۱۳۲۳ هنوز تشنه ماندند و با بروز این خشکسالی موقعیت غذایی مردم بحرانی شد، اهالی قم چاره را در خواندن نماز باران دیدند. مردم راهی خانه‌های آیات ثلاث صدر، حجت و خوانساری شدند، آقایان صدر و حجت نپذیرفتند اما آقای خوانساری نتوانست جواب نه بگوید و مردم هم گمان بردند او موافق با خواندن نماز باران است به همین علت اطلاعاتیه‌هایی در سطح شهر نصب گردید که آقای خوانساری در روز جمعه نماز استسقا خواهد خواند، گروهی ایشان را از پایان بد کار بیم دادند اما او گفت حالا که چنین شده، خواندن این نماز بر من تکلیفی است و هرچه صلاح باشد همان واقع خواهد شد. با نزدیک شدن لحظه موعود بهائیان شهر، متفقین را به انگیزه‌های این حرکت بدبین نمودند. در روز موعود، جمعیت از گوشه و کنار شهر روانه شدند تا به صحرای خاکفرج که در نیم کیلومتری شهر قرار داشت و مصلای آن محسوب می‌شد، بروند آیت‌الله خوانساری هم با طمانینه و آرامش مخصوص و در حالی که پاها را برهنه کرده و تحت الحنک انداخته بود با عده‌ای از همراهان به سمت آن نقطه حرکت نمودند، جمعیت افزون بر بیست هزار نفر بود. آن روز نماز خوانده شد اما اثری از اجابت دیده نشد، آیت‌الله خوانساری که بارها عطوفت و مهربانی پایان ناپذیر خدا را با همه وجود خود درک کرده بود، بخوبی می‌دانست که خواستن را با اصرار معنا بخشد چه آنکه اگر خواهش باشد اجابت حتمی است، او بعد از پایان درس و بحث از شاگردانش خواست که تا نماز بارانی دیگر بخوانند، این بار نماز در باغهای پشت قبرستان نو بپا گشت، غروب یکشنبه فرا رسید و آسمان بی تکه ابری سرخ‌گونگی خورشید را به نظاره نشست، گزارش هوشناسان غربی که در پادگان خاکفرج بودند گویای این بود که بارشی روی نخواهد داد و دین ناباوران زبان به تمسخر گشودند. یک از شاهدان در این باره می‌گوید: «آن روز گذشت و ما مطابق معمول به نماز جماعت آیت‌الله خوانساری در مدرسه فیضیه رفتیم اکنون یادم نیست که به چه مناسبتی شبها در مدرسه فیضیه بعد از نماز جلسه روضه خوانی و سخنرانی بود مرحوم حاج محمد تقی اشراقی به منبر رفت و هنوز اوایل سخنرانی ایشان بود که باران شروع شد آن شب باران مفصلی آمد». این باران چنان گسترده و بی امان بود که تا آن وقت چنین بارشی را کسی سراغ

ورزیدند. در این میان وساطتهایی نیز برای آزادی آیت‌الله خوانساری صورت گرفت ولی بی ثمر بود و اشغالگران اسرای جنگی را در بندر بصره جمع نموده و با کشتی‌هایی به اسارتگاههای خود در مستعمراتشان فرستادند و آقای خوانساری و قریب چهارصد تن دیگر از اسراء به جزیره سنگاپور برده شدند، چهار ماه طول کشید تا کشتی آنان در آن سرزمین پهلو گرفت و اسرا در زندانی صحرایی قرار داده شدند. در آن محیط خشک آقای خوانساری به تلاش علمی روی آورد و علاوه بر تدریس منطق و حکمت، خود نیز به آموختن پرداخت و توانست زبان انگلیسی را از یک راجه هندی بیاموزد. بعدها که راجه هندی آزاد شد، در آزادی آقای خوانساری کوشید و در نتیجه آقای خوانساری نیز پس از گذشت چهار سال تحمل رنج اسارت، آزاد گشت.

مرجعیت

آیت‌الله خوانساری بعد از رهایی از اسارت به زادگاهش خوانسار بازگشت پس از آن، آوازه حوزه نویناد سلطان آباد اراک، در او شیفتگی نخستین را زنده ساخت و از همین رو در حوزه سلطان آباد به احترام آیت‌الله حائری در درسشان شرکت جست و خود نیز جداگانه به تدریس فقه، اصول و حکمت پرداخت. دیری نگذشت که او توجه آیت‌الله حائری را به خود برانگیخت و در سسلک یاران نزدیک و مشاوران برجسته (هیات استفتاء) آیت‌الله حائری قرار گرفت. وی در پی این نزدیکی، نقش برجسته‌ای در شکل گیری حوزه علمیه قم ایفا کرد و مشوقی در هجرت آیت‌الله حائری به قم بود. در سال ۱۳۱۵ ش حوزه قم در ماتم از دست دادن بنیانگذارش به سوگ نشست در آن موقعیت خطیر آیت‌الله صدر و آیت‌الله حجت و همچنین آیت‌الله خوانساری که سه تن از شاگردان و یاران برجسته آیت‌الله حائری بودند، برای تصدی مسوولیت حوزه و عهده داری رهبری دینی مردم مورد توجه قرار گرفتند. در این میان آیت‌الله خوانساری با شایستگی‌های فراوان اخلاقی و علمی که داشت پیشگام نگشت، اما آیت‌الله محمد صدوقی و آیت‌الله مجتبی عراقی و تنی چند از دوستانشان در پاکیری مرجعیت ایشان تلاش ورزیدند، درس خارج برای ایشان تدارک گردید و قرار شد ادامه درس استادش حائری را بگوید، رفته رفته این شخصیت برجسته مورد اقبال جامعه ایرانی قرار گرفت و با طرح جواز رجوع در مسائل احتیاطی به ایشان از طرف آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی دامنه مرجعیت او گسترش یافت اما با این همه او آیت‌الله صدر و آیت‌الله حجت برای حاکم نمودن وحدت رهبری دینی مردم و زدودن شائبه های تفرقه، آیت‌الله بروجردی را به قم خواندند و با اصرار زیاد او را بر این مسند نشانند.

سالهای طولانی تدریس آیت‌الله خوانساری که از حوزه نجف آغاز گشت، جمع زیادی از آموختگان فضل او را همراه داشت. در سالهای آخر تدریس هم درس خارج او چنان با عمق و دقت طرح می‌شد که تنها شایستگیانی چند یارای حضور در آن را یافتند. آثار علمی ایشان غیر از آن رساله های فتوایی که نظریات فقهی ایشان را در بر داشت، تقریرات درسهایی خارجی بود که شاگردانش جمع آوری کرده بودند که از آن جمله درس طهارت ایشان بود که به همت شاگرد برجسته‌اش آیت‌الله حاج شیخ محمدعلی اراکی و درس صلوه که از سوی شاگرد فرزانه دیگرشان آیت‌الله حاج شیخ مجتبی عراقی نگارش یافت.

نماز

وجهه معنوی آیت‌الله سیدمحمدتقی خوانساری باعث شد که با درخواست جمعی از دل بوران، آیت‌الله سید احمد خوانساری، برقراری نماز جماعت فیضیه را به او واگذارد و در این نماز پرشکوه حتی مقدسانی که تردیدشان در عدالت امامان جماعت بسیار بود و به هرکس اقتدا نمی‌کردند، بی هیچ واهمه‌ای با او به نماز می‌ایستادند بعضی از شبها هم که آقای خوانساری حضور نداشت امام خمینی که از اساتید بنام آن روز حوزه بود، بجای ایشان اقامه نماز می‌کرد و از آن رو که نماز جمعه در نظرگاه فقهی آیت‌الله

حضرت آیت الله مکارم شیرازی: با لعن کردن نمی توان راه به جایی برد

حضرت آیت الله ناصر مکارم شیرازی از مراجع تقلید در مراسم افتتاحیه مرکز تخصصی شیعه شناسی حوزه علمیه قم که در مدرسه امیر المؤمنین (ع) برگزار شد، با اشاره به روایاتی از ائمه طاهریین (ع) بر جایگاه ویژه و مقامات بلند شیعیان تأکید کرد.

وی افزود: امام صادق (ع) فرمودند اگر شیعیان در مسیرهای علمی، تبلیغی و جهادی استقامت به خرج دهند خداوند نعمت های فراوانی به آن ها می دهد که از جمله آن ها این است که هر چه از خداوند بخواهند به آن ها می دهد؛ همچنین امام صادق (ع) می فرمایند که شیعیان ۴ چشم دارند که دو چشم آن در سر و برای زندگی دنیوی و ۲ چشم آن ها در قلب و برای زندگی معنوی است.

ایشان با بیان این که چشم شیعیان بیدار بوده اما خداوند چشم معاندان را نابینا کرده است، اظهار داشت: شیعیان باید باهوش، به روز و دشمن شناس باشند و راه های نفوذ را بر دشمنان ببندند؛ از این عنایت های بسیار روشن می شود که خداوند چه لطفی در حق شیعیان دارند. وی ادامه داد: مسأله شیعه و عقاید شیعه فعلا از صورت یک بحث کلامی درآمده و تبدیل به موضوع سیاسی نیز شده است، سابقا این مسأله کلامی بوده اما اکنون به دلیل انقلاب اسلامی، قدرت شیعیان، حضور شیعیان در عرصه های بین المللی و تأثیرگذاری در منطقه همه می دانند که شیعیان به ویژه شیعیان ایران حرف اول را می زنند.

این مرجع تقلید با بیان این که واقع بینان معتقد هستند که برای حل مشکلات جز کنار آمدن با ایران راهی وجود ندارد، ابراز داشت: ایران ذره ای چشم طمع به حتی یک وجب از خاک هیچ کشوری ندوخته است، دشمنان جمهوری اسلامی ایران به صورت مرتب دروغ می گویند و ادعا می کنند ایران به دنبال ایجاد هلال سبز است که دروغ محض به شمار می رود.

وی عنوان کرد: ایران می خواهد امنیت در همه کشورها باشد اما دشمنان چنین چیزی نمی خواهد و در صدد هستند که در منطقه جنگی وجود داشته باشد تا آن ها راحت باشند، در حال حاضر اسرائیل فکرش راحت است چون توانسته آتش جنگ را بر اثر نادانی گروهی در کشورهای اسلامی روشن کنند و خود در ساحل امن باشند.

استاد برجسته درس خارج حوزه علمیه قم با بیان این که جوانان بسیاری از کشورهای گوناگون به گروه های تکفیری می پیوندند، گفت: اگر برای مردم روشن شود که فعالیت های تکفیری خلاف آوژه های قرآن، اسلام و پیامبر است دیگر افراد جذب این گروه ها نمی شوند. وی افزود: دشمنان به دلیل این که اهل منطق نیستند همواره به دروغ متوسل شده و از این طریق ایران را متهم می کنند، دشمنان از طرق دروغ شیعیان را به شرک متهم می کنند؛ متأسفانه به شیعیان مسائل مضحک و خنده آوری نسبت می دهند، گاهی به اندازه ای دروغ می گویند که حتی خودشان دروغ را باور می کنند.

این مرجع تقلید با بیان این که باید پرده ها را کنار زد و با اسناد و مدارک دروغ ها را جواب داد، اظهار داشت: یکی از وظایف مهم پژوهشگران این است که تهمت ها و شبهات دشمن را شناخته و با استدلال به آن ها پاسخ داده شود.

وی ادامه داد: برخورد خوب منطقی بسیار مهم است از این رو کسی با بد و بیراه گفتن و لعن کردن به جایی نمی رسد، باید با منطق صحیح و استدلال درست با افراد سخن گفت؛ پژوهشگران نباید ساکت بنشینند بلکه مرتب باید در فکر تولید علم باشند و مدارک و جواب های تازه ای ارائه کنند.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی با بیان این که کسانی که می خواهند در شیعه شناسی کار کنند باید نمونه شیعه خوب باشند، ابراز داشت: باید توجه شود که تبلیغ عملی بسیار مؤثرتر از تبلیغ گفتاری است، رفتار شیعیان باید نمونه باشد.

آیت الله دکتر محقق داماد در نیویورک

وظیفه عالمان دینی چیست؟



مردم! ما شما را از مردی و زنی آفریدیم و شما را گروه‌ها و قبیله‌ها کردیم تا یکدیگر را باز شناسید، بی‌گمان گرامی‌ترین شما نزد خداوند پرهیزگارترین شماست، به راستی خداوند دانایی آگاه است».

این عالم شیعی که در نشست جنبی سالیانه سازمان ملل متحد سخنرانی کرد اظهار داشت: «همانطور که ملاحظه می کنید در این آیه سه نکته مهم وجود دارد و من شما را به دقت و تفکر در این سه نکته دعوت می کنم، نکته نخست این است که مخاطب این آیه عموم انسانها هستند و نه فقط جامعه مومنین و یا مسلمین. نکته دیگر این آیه این است که همه انسانها را عضو یک خانواده واحد بشری دانسته و پدر و مادر همه آنان را یک مرد و زن برشمرده است. همچنین نکته سوم بر شناسایی حقوق اعضای خانواده واحد بشری که هدف خلقت انسانهاست تأکید دارد».

به گفته دکتر محقق داماد «این آیه شریفه با ارزش ترین فرد انسانی نزد خداوند را با تقوا ترین آنها دانسته و ناگفته پیداست تقوا در این آیه شریفه تقوای درون دینی نیست . مراد از تقوا در این آیه رعایت همان اصل مطرح شده در صدر آیه یعنی احترام به اعضای خانواده بشری و تعارف و شناسایی حقوق دیگران و نادیده گرفتن خودبرتربینی قومی، نژادی و حتی فکری است».

این استاد حقوق دانشگاه شهید بهشتی افزود: «تمایز ایمان و کفر نزد خداوند محاسبه می شود و در حقوق شهروندی و این جهانی تأثیری ندارد. هیچ گروهی نباید خود را فرزند خدا و یا با ختم نبوت خود را نماینده خاص خدا بدانند و دیگران را به دیده حقارت بنگردانان را به اطاعت خویش وادار».

دکتر محقق داماد تصریح کرد: «در قرآن مجید به صراحت عنوانی از قبیل فرزندان خدا ، دوستان خدا و اولیاء خدا برای خویش دانستن واز این رهگذر خود را برتر از دیگران دیدن را نفی کرده و مخالف توحید دانسته است».

این عالم شیعی سخنانش را در حالی ایراد کرد که

در کنفرانس بین المللی «ادیان برای صلح» که روزهای ۲۶ و ۲۷ شهریور در نیویورک برگزار شد، آیت الله دکتر سید مصطفی محقق داماد، رئیس گروه مطالعات اسلامی فرهنگستان علوم، سخنانی ایراد کرد.

دکتر محقق داماد در این همایش که در نشست جانبی سازمان ملل متحد برگزار شد، عنوان سخنرانی اش را « اندر نکوهش خود برتر بینی قدسی» نامید و در ابتدای گفته هایش اظهار داشت: «در زمان معاصر که در قسمتهائی از جهان درگیری های دینی فزونی یافته و روزانه انسانهای زیادی به خاک و خون کشیده

می‌شوند و گروه‌های کثیری بی خانمان و زنان و کودکانی از سرپناه خویش آواره بیابانها می شوند، این اتهام متوجه ادیان است که درگیری و نزاع مقتضای ذات تعلیمات دینی است زیرا به موجب تعلیمات دینی انسانها به مومن و کافر و جوامع به خودی و نا خودی تقسیم می شوند و همین امر آغاز جدائی ، کشمکش، عداوت و نزاع است».

دکتر محقق داماد در ادامه سخنانش با تأکید بر این نکته که «وظیفه اصلی عالمان دینی در عصر حاضر تلاش وسیع برای رفع این اتهام است» اظهار داشت: «تحقق این مقصود و پاک کردن دامن ادیان از این نسبت زشت و کریه کار آسانی نیست».

رئیس گروه مطالعات اسلامی فرهنگستان علوم افزود: «به نظر اینجانب برای رسیدن به این مقصود دو مرحله را باید در نظر داشت. نخست باید از بعد نظری منابع دینی را باز خوانی و از آن تفسیری نو ارائه کرد. مومن و کافر یعنی چه ؟ آیا این کلمات در تمام زمانها و همه شرائط معنا و مفهوم واحد داشته و دارد یا آنکه متفاوت است و برای دستیابی به آنها بایستی به شرائط کاربردی و زمان و مکان آن توجه کرد ؟ و پس از آن بایستی این حقیقت را برای پیروان ادیان تبیین کرد که در جهان معاصر برای دستیابی به تعالی، رشد و تکامل اخلاقی که مقصود نهائی تعلیم ادیان و انبیای الهی است جز همزیستی انسانی و پذیرفتن دیگران و رعایت حقوق و آزادی های آنان، از جمله آزادی فکر، عقیده و بیان راهی دیگر پیش روی ما وجود ندارد و آنسوی این راه و انحراف از آن ، عداوت، جنگ ، خونریزی هلاکت و سرانجام انزوی ادیان خواهد بود». دکتر محقق داماد در بخش دیگری از سخنانش خطاب به حضار گفت : «من به آیه مهمی در قرآن مجید استناد می کنم که همه ما مسلمانان آن آیه عظیم را ملاحظه کرده ایم. در قرآن مجید یک آیه وجود دارد که وحدت خانواده بشری را اعلام کرده و به نظرم خط مشی زندگی دینی را تعیین کرده است. در سوره حجرات آیه ۱۳ آمده است «ای

در گفتگو با آیت الله دین پرور بررسی شد: سیاست و حکومت در سیره علوی

به سبک زندگی‌های ما وارد شود ما روی زمین بهشت را تجربه می‌کنیم و با پیاده سازی آموزه‌های علوی در زندگی فردی و اجتماعی خود، راه را بر مشکلات می‌بندیم.

برای آنکه غدیر و ولایت امیرمؤمنان (ع) به عنوان راه روشن سعادت، نه فقط برای جهان اسلام، بلکه برای بشریت تبیین شود، باید در چه مسیری قدم گذاشت و دلسرده نشد؟

این کار نیازمند فرهنگسازی صحیح است، زیرا محبت علوی شعار نیست، بلکه شعوری است که باید بر زندگی ما تأثیر بگذارد؛ مردم باید بدانند محبت و ولایت امیرمؤمنان (ع) نیاز به سرمایه گذاری دارد و باید جان و مال خودشان را در این مسیر خرج کنند. در این میان متأسفانه نظام اداری ما فلج و فاسد است و در این رابطه کاری نمی کند تا جایی که بسیاری از مسؤولان محدود به دفتر کار و پرونده‌های کاریشان اند و کار و تعهدی نسبت به مسائل مهم جهان اسلام ندارند.

منبع: قدس آنلاین

عمده مسؤولیت این امر بر عهده دولت است تا با تدبیر و مدیریت کاری کند که فضا برای سوءاستفاده کننده فراهم نباشد و راه دزدی و کلاهبرداری و غارت بیت المال مسدود شود. بنابراین، نظارت هم از جانب حضرت (ع) و هم افراد امین ایشان سبب می‌شد چنین اموری رخ ندهد.

ما مهم آن است که نظارت در مکتب علوی معنای مج گیری ندارد، بلکه از ابتدا اعلام می‌شود مدیرانی از بالا بر سر کارند و اگر فردی اشتباه کند، با او برخورد می‌کنند که اگر امروز هم چنین شیوه‌ای پیاده شود، بسیاری از مشکلات و اختلافاتمان کاسته می‌شود.

چرا نهج البلاغه مهجور است؟

متأسفانه اعتقاد مردم در برخی موارد به ظواهر محدود شده و آنها عشق اهل بیت (ع) را به مجالس وعظ و عزاداری و نذری دادن محدود می‌کنند، در حالی که ما نیاز داریم از نظر فکری و اعتقادی راسخ و پابرجا باشیم و در این میان حتی مسؤولان فرهنگی هم آن طور که باید نسبت به کار برای نهج البلاغه جدی نیستند.

این در حالی است که اگر نهج البلاغه و آموزه‌های آن

ادامه از صفحه اول

سیاست خارجی امیرمؤمنان (ع) بر چه اصولی استوار بود، ایشان در تفاهم‌ها، مذاکرات و توافقات چه رویکردی داشتند؟

اگر شرایط فراهم بود و مصالح اقتضا می‌کرد، حضرت امیر (ع) با دشمن اعم از داخلی و خارجی صلح می‌کردند، اما توصیه داشتند همواره حواسمان نسبت به دشمن جمع باشد؛ چنانکه در عهدنامه به مالک اشتر فرموده اند: دشمن هیچ گاه از دشمنی دست برنمی دارد.

و این مسیر روشنی است که به طور صد در صدی برای امروز ما هم کاربرد دارد و اگر کسی خود را از دشمن فارغ بداند و او را دوست پندارد، ضربه می‌خورد.

یکی از مشکلات اجتماعی وجود تبعیض‌های طبقاتی و فقر در اقشار گوناگون است، آیا در سیاست علوی و در پرتوی ولایت ایشان بر جامعه اسلامی فقر نیز مرفع می‌شود؟

در این ارتباط در نهج البلاغه نکات بسیاری وجود دارد اعم از رسیدگی به فقرا و طبقات محروم جامعه که البته

در پی حوادث حج امسال که منجر به کشته و زخمی شدن بیش از هزار نفر از حاجیان کشورهای اسلامی شد و اوج بی کفایتی و بی لیاقتی خاندان سعودی در مدیریت حرمین شریفین را نشان داد، مراجع عظام تقلید با صدور اطلاعیه هایی، حج امسال را یکی از حج های غم بار امت اسلام نامیدند و اعلام کردند که آل سعود توان مدیریت حرمین شریفین و شایستگی میزبانی از زائران بیت الله الحرام را ندارد.

پیام تسلیت حضرت آیت الله شبیری زنجانی در پی فاجعه مرگبار منا

متن کامل پیام حضرت آیت الله شبیری زنجانی بدین شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم
وَمِنْ يَخْرُجُ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا
باکمال تأثر و تأسف، در ایام با عظمت حج ابراهیمی امسال، شاهد حوادث غمبار و دلخراش مکه و منا بودیم که به کشته و زخمی شدن تعداد زیادی از زائران بیت‌الله الحرام منجر شد و امت اسلام را عزادار نمود.

اینحاجب ضمن تسلیت به محضر حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، امت اسلامی و خانواده‌های قربانیان، برای جان‌باختگان غفران و رحمت واسعه الهی، برای بازماندگان صبر و اجر، و برای مجروحان شفای عاجل را مسألت دارم.

ان شاء الله تدبیری صحیح اندیشیده شود که دیگر شاهد چنین وقایعی نباشیم.

بیانیه حضرت آیت الله روحانی به مناسبت فاجعه جانگداز منا

متن پیام حضرت آیت الله سید محمد صادق روحانی بدین شرح است :

بسم الله الرحمن الرحيم
«وَمَنْ يَخْرُجُ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ» صدق الله العلی العظیم
امسال در روز عید مبارک قربان، که خداوند آن را برای مسلمانان عید قرار داده، شادمانی و سروری که قلب همه مسلمانان جهان را فرا گرفته بود با شنیدن اخبار فاجعه‌ای که زندگی تقریباً دو هزار حاجی و حاجیه را در مسیر رمی جمرات در منا گرفت، به اندوه و مصیبت تبدیل شد.

وقوع این فاجعه جانگداز آن هم تنها چند روز بعد از حادثه دردناک دیگری که برای حجاج بیت الله الحرام هنگام سعی صفا و مروه اتفاق افتاده بود و جان ده ها نفر را گرفته بود، کمترین نشانه‌اش عدم شایستگی و توانایی مسئولان مناسک حج و بی‌مبالاتی و بی‌توجهی به جان مهمانان ضیافت خداوند رحمان است.

ضمن عرض تسلیت ، از درگاه خداوند متعال مسئلت می کنیم حج حاجیان را مورد قبول قرار داده و این شهدا را در گستره رحمت خویش قرار دهد و در کنار آن خواستار موارد ذیل هستیم:

اول: تشکیل هیاتی مستقل از متخصصان و افراد شایسته (از کشورهای اسلامی) برای شفاف‌سازی و تحقیق درباره این دو حادثه دردناک، و اعلام نتایج آن با صراحت کامل به همه مسلمانان. آنچه کمیته سعودی اعلام می‌کند کافی نیست و مورد اعتماد نمی باشد چون شفاف و صادقانه نیست. دوم: محکوم نمودن توجیه بی‌مبالاتی‌ها از سوی مسئولین عربستان سعودی که می‌گویند حجاج خودشان به راهنمایی‌ها توجه نکردند. این ادعا با تمام حقایق نقل شده از حادثه که فیلم ها و عکس‌ها هم گواه آن است تناقض دارد. حداقل خواسته این است که مسببان واقعی این فاجعه بزرگ انسانی در هر مقام و مسؤولیتی که هستند، باید مجازات شوند.

سوم: باید کمیته‌ای از کشورهای اسلامی فعال و تاثیرگذار برای وضع اصول و قوانینی جهت اداره مناسک حج تشکیل شود ، چرا که طی این سال‌ها و به دفعات و با دلیل قطعی، بی‌کفایتی و عدم لیاقت مسئولان سعودی برای اداره مناسک حج ثابت شده است.

رحم الله الشهداء الابرار
محمدصادق حسینی روحانی

تسلیت حضرت آیت الله وحید خراسانی به مناسبت حادثه منا

پیام آیت الله وحید خراسانی بدین شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم
إِنَّا لِلَّهِ وَأِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ
قال الله تبارک وتعالی: « وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ»[کسی که از خانه خود بیرون بیاید در حالی که بسوی خدا و رسولش هجرت می کند پس مرگش فرا برسد تحقیقا اجر او با خداوند می باشد]

خوشا به حال کسانی که در مهمانی خدا مصداق این آیه کریمه شدند؛ آنها کسانی هستند که امیرالمؤمنین علیه السلام درباره شان فرمود:« واختار من خلقه سماعا أجابوا إليه دعوته ، وصدقوا كلمته ، ووقفوا مواقف أنبيائه ، وتشبهوا بملائكته المطيِّفين بعرشه|خداوند از خلق خود اختیار کرد و برگزید آنهايي را که ندای منادی او را شنیدند و دعوت او را اجابت کردند و سخن او را تصدیق نمودند. و ایستادند در جاهائی که انبیاء او در آنجا ایستادند و به ملائکه ای که گرد عرش خدا صف زده اند، تشبیه کردند؛ آنان در حالی جان دادند که در مواقع انبیا بودند و کاری شبیه ملائکه عرش خدا می کردند. و به مقامی رسیدند که اجر آن بر خدا واقع شد؛ و این جمله فوق ادراک و بیان است.

و سعادتمند بازماندگانی که در این مصیبت صبر کنند و مشمول شفاعت درگذشتگان شان در درگاه خداوند باشند.

آیت الله صافی گلپایگانی:

لزوم تدبیر و مدیریت صحیح در موسم حج
متن پیام حضرت آیت الله صافی گلپایگانی به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم
قال الله الحكيم: وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ
حادثه اسفناک و ضایعه موله در خانه امن الهی که منجر به کشته و مجروح شدن تعداد زیادی از زائران بیت‌الله الحرام گردید موجب تأسف و تأثر فراوان شد.

إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ
با قلبی آکنده از اندوه و ناراحتی، این حادثه اسفبار را به ساحت مقدس حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و خانواده‌های داغدار، و به امت اسلامی در سراسر جهان تسلیت گفته و رحمت واسعه الهی برای قربانیان، صبر جمیل و اجر جزیل برای بازماندگان و شفای کامل مجروحان را از خداوند متعال مسألت دارم.

بی‌شک وقوع چنین حوادث دردناکی، تکلیف را برای امت اسلامی زیادت‌ر نموده که باید با تدبیر و مدیریت صحیح و هماهنگی کامل از تکرار چنین وقایع ناگواری جلوگیری نموده و راه برای انجام مناسک حج در خانه امن الهی که قبله مسلمانان و کعبه آمال چند میلیارد مسلمان می‌باشد فراهم نمایند؛ و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم.

آیت الله مکارم شیرازی:

آل سعود توانایی اداره حرمین شریفین را ندارد
حضرت آیت الله مکارم شیرازی در پی حوادث مکه از بی توجهی حکام و ماموران سعودی در حفظ جان ضیوف الرحمن به شدت انتقاد کرد.

این مرجع تقلید با بیان این که این حادثه نشان می دهد که آل سعود توانایی اداره حرمین شریفین را ندارند، از بی تدبیری مقامات سعودی انتقاد و تصریح کرد: کدام عقل سلیم اجازه می دهد در بالای مسجدالحرام در ایامی که میلیون ها نفر برای زیارت می آیند جرثقیلی باشد که یک طوفان باعث سقوط آن شود و ۲۹۰ نفر زخمی و کشته شوند.

استاد برجسته درس خارج حوزه علمیه قم با تاکید بر این که در معماری ها و ساخت و سازهای معمولی نیز کنار جرثقیل ها علامت خطر زده اند تا هشدار برای رهگذران و مردم باشد، خطاب به مقامات عربستان سعودی تصریح کرد: در این مکان که میلیون ها نفر می آیند، شما نه یک جرثقیل بلکه تعداد بسیاری جرثقیل گذاشته اید و بدون این که به علائم ایمنی توجه کنید جان مردم را به خطر می اندازید.

وی تصریح کرد: حداقل در این یک ماه آنها را جمع کنید و بعد دوباره سرکار کنید؛ این چه عقل و چه

تاکید مراجع تقلید بر بی کفایتی آل سعود در مدیریت حرمین شریفین

مدیریت حج باید از سیطره سعودی ها خارج شود



مدیریتی است؟ مسجدالحرام حرم امن است و نباید بر اثر بی تدبیری این همه حاجی شهید و مجروح شوند.
حضرت آیت الله مکارم شیرازی با اشاره به بهانه هایی که مقامات سعودی در این باره مطرح کرده اند، یادآورشد: می گویند طوفان آمد؛ در حالی که باید به آنها گفت شما باید احتمال طوفان را بدهید و برای آن تدبیر و راه چاره اتخاذ کنید؛ همه کسانی که ساختمان می سازند احتمال خطر می دهند، هشدار می دهند و می نویسند، این دلیل بر ناآگاهی است.

وی همچنین از ساخت و سازهای اطراف مسجد الحرام و برج های بسیار بلند که ابهت و شکوه این مکان مقدس را تحت الشعاع قرار داده انتقاد و ابراز تأسف کرد و گفت: هر کجا که یک بنای مهم مذهبی یا غیر مذهبی یا باستانی وجود دارد شهرداری های آن مناطق به دلیل اهمیت آن بنا اجازه نمی دهند که ساختمانی مرتفع تر از آن ساخته شود.

این مرجع تقلید تاکید کرد: متأسفانه در اطراف مسجد الحرام بناها و برج هایی ایجاد کرده اند که ده ها مرتبه بالاتر از مسجدالحرام است، و برج ها و ساختمان های سر به فلک کشیده عظم و شکوه این مکان مقدس را تحت الشعاع قرار داده است.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی بیان کرد: این چه درایتی است که شما دارید؟ عیب کار این است که اینها حرمین شریفین را گویا ملک شخصی خودشان می دانند و هر طوری خواستند عمل می کنند.

استاد برجسته درس خارج حوزه علمیه قم اضافه کرد: باید با بزرگان و علمای اسلام مناطق دیگر مشورت کنند، این برج ها را ویران کنند و از بین ببرند تا مسجد الحرام ابهت خود را باز یابد، نگذارید یک طبقه بالاتر از آن بسازند. حضرت آیت الله مکارم شیرازی اظهار کرد: اینها سؤالاتی است که ما داریم که قطعا جواب ندارند، لازم است علمای اسلام در این باره فکر کنند و نصیحت و اعتراض کنند که این راه و روش شما درست نیست که درباره مسجد الحرام عمل می کنید. امیدواریم ان شاءالله خداوند به همه آگاهی کافی بدهد تا بتوانیم از این افتخارات اسلام كاملا پاسداری کنیم و آنها را محفوظ بداریم.

انتقاد آیت الله سبحانی از کم توجهی آل سعود به حفظ جان میهمانان بیت الله الحرام
به گزارش خبرگزاری رسا، حضرت آیت‌الله سبحانی نیز از حادثه مسجد الحرام به عنوان یک مصیبت یاد کرد و ضمن انتقاد از کم توجهی آل سعود به حفظ جان میهمانان بیت الله الحرام، گفت: ما نیز نسبت به این جریان در سوگ نشسته‌ایم.

این مرجع تقلید از حادثه مسجد الحرام به عنوان مصیبت یاد کرد و اظهار داشت: ما به محض این که شنیدیم که در مکه چنین جریانی رخ داده است، نسبت به این جریان در سوگ نشسته‌ایم.

این مرجع تقلید تأکید کرد: جمع زیادی که میهمانان خدا هستند بر اثر بی‌اعتباری و بی‌علاقگی افراد به حفظ جان حجاج، جان شان را از دست داده‌اند.

استاد برجسته حوزه علمیه قم همچنین جملاتی کوتاه را به زبان عربی بیان و برای شادی روح درگذشتگان این حادثه دعا کرد.

پیام تسلیت آیت‌الله موسوی‌اردبیلی در پی حادثه دردناک منا

متن پیام تسلیت حضرت آیت الله موسوی اردبیلی به شرح زیر است:

«بسم الله الرحمن الرحيم

انا لله و انا الیه راجعون

حادثه دردناک و اسفبار منا عید مسلمانان را عزا کرده دل آنان را به درد آورد. حاجیان خداجویی که لباس دنیا را از تن برکنده و رخت عبادت بر کرده و رنگ خدایی را برگزیده بودند، مظلومانه قربانی شدند و لباس احرامشان جامه آخرتشان شد.

این جانب این مصیبت عظمی را به پیشگاه قافله سالار حقیقی کاروان عبادت و پندگی، امام عصر(ع) و همه مسلمانان و خصوصاً هموطنان داغدار و خانواده‌های چشم انتظار تسلیت عرض می‌کنم.

آنچه سبب تسلاى خاطر بازماندگانی است که خانه‌ها را برای پذیرایی عزیزانشان آذین بسته بودند، این حقیقت است که این حاجیان در سفر عبادت، پاک و پیراسته از پلیدی‌ها، از خانه دوست به ساحت قرب او پر کشیدند.

انتظار از مسئولان دولت سعودی این است که خاطیان و مسببان این فاجعه را معرفی و مجازات نمایند و شرف میهمانداری زائران خانه رب الارباب را قدر بدانند و اسباب آسایش و راحتی حجاج بیت الله را فراهم آورند.

برای عزیزان از دست رفته رضوان و رحمت حق و برای بازماندگان صبر جمیل و اجر جزیل از درگاه خداوند منان خواستارم.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

آل سعود را رجم کنید

«احمد مطر» شاعر عراقی متولد سال ۱۳۳۳ در روستای التتومه از توابع استان بصره است. وی در دوران کودکی در بصره حضور داشت و پس از آن در کویت و لندن اقامت داشته است. احمد مطر ملقب به «ملک الشعراء» است و شاعری با گرایشات سیاسی و انقلابی محسوب می‌شود. شعرهای وی در نكوهش و اعتراض به حکام عربی سرسپرده زبانزد خاص و عام در جهان عرب است.

وی اخیرا در واکنش به حادثه خونین منا که طی آن بیش از یک هزار نفر از حجاج جان سپرده‌اند، قصیده‌ای سروده که متن و ترجمه آن به این شرح است:

الف روح ازهقت

ذابو.. فلا من یخبر القصه

او یسمع اقوال الشهود

ربما كانوا بقایا قوم عاد

اهلكوا بالربح

او قوم ثمود..

و لاجل الموكب الملعون

فلیسقط ابی فی زحمة الحج قتیلا

و لتعد امی الی لطم الخدود

اسمعوها جمله اقوم قیلا:

اتركوا ابلیس یرتاح قلیلا

و ارجموا آل سعود!!

ترجمه:

هزار روح بیگناه

پرزددند تا آسمان

و همه بی‌خبر از

قصه پرپر شدن آنها

شاهدان ماجرا هم نیستند

شاید از قوم عاد بودند

با طوفانی شدید از میان رفتند

یا از قوم ثمود..

و همه قربانی کاروانی ملعون

پدرم در ازدحام حاجیان جان سپرد

مادر تنهای من اما

غرق در حزن و اندوهش

به دریای غم دل سپرد

گوش فرا دهید به این فریاد من:

اندکی ابلیس را آسوده رها کنید

و سنگ زنید (رجم کنید) آل سعود را !!

وحدت امت اسلامی از اهم فرائض است

کنند تا همه مسلمین در مدیریت آن نقش داشته باشند.

آیت الله اراکی در ادامه با اشاره به شهدای این فاجعه گفت: شهدایِ این فاجعهٔ مصداق آیه شریفه **وَمَنْ يَهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاعِمًا كَثِيرًا وَ سَعَةً وَ مَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَ رَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ** هستند.

وی در ادامه با اشاره به اینکه هجرت حجاج برای حَجَّهٔ للاسلام بود، افزود: حَجَّهٔ به معنی قصد و عزم است و حجاج با این قصد به حج، پیمان اسلام را مستحکم کردند و حقیقت حَجَّهٔ للاسلام برای اکرام و ابرام پیمان با خداست.

دبیر کل مجمع جهانی تقریب با بیان اینکه پیمان مسلمین با خدای متعال و رسول خدا ميثاق بزرگی است، اظهار داشت:اسلام پیمانی، بین مردم و خدای متعال از یک سو و پیمانی میان مردم و رسول خدا از سوی دیگر است و در قرآن کریم مکررا از این اسلام به پیمان تعبیر شده است. وی با اشاره به آیه شریفه «أَمِنَ الرَّسُولُ بِمَا أَنزَلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رَسُولِهِ لَا تَفَرُّقٌ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَ قَالُوا سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا غَفْرَانَكَ رَبَّنَا وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ» ، اظهار داشت: سمعا یعنی به گفتار الهی گوش دادیم و در آیات الهی تأمل کردیم و از بیانات رسول خدا پیروی کردیم.

وی با بیان اینکه گوش کردن به بیانات رسول خدا جزء هویت انسان مسلم است، اظهار داشت: هویت انسان مسلم این است که به دنبال گوش فرا دادن و پذیرش و تسلیم است که همان اطاعت است.

دبیر کل مجمع جهانی تقریب تأکید کرد: خضوع برای فرمان خدا و رسول خدا و تسلیم شدن برای فرمان الهی همان حقیقت اسلام است.

وی افزود، ما دو نوع اسلام داریم یکی اسلام اعرابی و دیگری اسلام ابراهیمی. اسلام ابراهیمی همانی است که خداوند متعال در سوره صافات به آن اشاره کرده است « فَلَمَّا أَشْلَمُوا ثَلَاثَةً لِلْجَبِينِ وَ نَادَيْتَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ».

کمال الهلباوی در جشنواره رسانه الغدير:

طرح تقریب شکست نخورده است

تصریح کرد: ما نیازمند تعریف طرح ها و پروژه مشترک و ایجاد سازمان های فعال به جای سازمان تعاون اسلامی که متشت است داریم و باید در این مسیر علاوه بر توجه به نقشه های غرب سازمان های مردم نهاد را در داخل کشورها و خارج آنها را تقویت کنیم.

وی با بیان اینکه آینده داعش در قیرهاست، افزود: ما باید کاری کنیم که تفکر میانه رو و اعتدالی مجال بیشتری در میان شیعه و سنی و به ویژه در فضای اهل سنت پیدا کند و این تفکر افراطی را داعش گرفته تا یاسر الحیبب ها از بین برود.

الهلباوی با بیان اینکه برخی قدرت را امری مفسده

مراسم بزرگداشت جانبازتگان سرزمین مقدس منا با

حضور آیت الله محسن اراکی دبیر کل مجمع جهانی تقریب، آیت الله نور مفیدی نماینده ولی فقیه در استان گلستان، حسن صادقلو استاندار گلستان، علمای اهل سنت و تشیع و اقشار مختلف شیعه و سنی استان گلستان در مسجد جامع گلشن گرگان برگزار شد.

آیت الله اراکی طی سخنانی در این مراسم با اشاره به آیات ۱۵۶ و ۱۵۷ سوره بقره، الذِّینَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِیْبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَیْهِ رَاجِعُونَ* أُولَئِكَ عَلَیْهِمُ صَلَوَاتُ مَنْ رَحِمَهُمُ وَرَحْمَةُ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ، فاجعه بزرگ منا و جان باختن تعداد زیادی از حجاج بیت الله الحرام را به عامه مسلمین، مقام معظم رهبری، علمای بزرگ اسلام و بازماندگان این شهدا تسلیت گفت.

وی با بیان اینکه لازم و ضروری است که یک کمیته حقیقت یاب پیرامون فاجعه منا تشکیل شود، اظهار داشت: لازم است پرده از راز این جریان برداشته شود و با ایجاد یک کمیته حقیقت یاب پرده راز این فاجعه نمایان خواهد شد. آیت الله اراکی با بیان اینکه خداوند متعال در قرآن کریم به امنیت خانه خدا تأکید فراوان کرده است، اظهار داشت: امنیت خانه خدا تکلیفی است که بر همه مسلمین واجب است.

وی با بیان اینکه برقراری امنیت در مکه و حرم امن الهی متوجه همه مسلمین است، اظهار داشت: همه مسلمین مکلف هستند که امنیت را در مکه برقرار کنند و بر همین اساس، گفته می شود که کمیته ای متشکل از کشورهای اسلامی ایجاد شود.

دبیر کل مجمع جهانی تقریب تأکید کرد: اگر متصدیان امور حج نمی توانند امنیت لازم برای حج را برقرار کنند لازم است که همه مسلمین در ایجاد این امنیت سهیم باشند.

وی افزود: حوادث امثال حج که طی آن هزاران حجاج جان خود را از دست دادند نشان دهنده بی کفایتی مسئولان و متصدیان امور در برقراری امنیت است و اگر آنهایی که متصدی مدیریت در سرزمین وحی هستند در اجرای آن ناتوان هستند باید این مسئولیت به کشور های اسلامی واگذار

کمال الهلباوی از چهره های سیاسی و دینی مصر و اعضای سابق اخوان المسلمین مصر در نشست جانبی این جشنواره در نجف اشرف گفت: پروژه تقریب آنگونه که بعضی می گویند شکست نخورده است و مهمترین دلیل آن این است که من اینجا و در نجف حضور دارم و با برادران شیعه ام سخن می گویم. وی با اشاره به دیدار شهید نواب صفوی از مصر افزود: هر چند غرب اسرائیل را قرار داد که بین ما اختلاف بیاندارد اما ما بر تقریب بین مذاهب اصرار داریم چراکه خدا می فرماید که شما امت واحده هستید. این چهره مصری با اشاره به ضرورت های تقریبی،

سیاسی – اجتماعی – فرهنگی

◀ شماره ۱۳ ◀ شماره مسلسل ۱۵۰۷ ◀ نیمه اول مهر ۱۳۹۴	بش ۷ تقریب پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com
--	--

مسعود بارزانی، اربهران جنگ شیعه و سنی

محمد حسنین هیکل،تحلیلگر مشهور جهان عرب نوشت:حبله گری و تجربه مسعود بارزانی در توطئه و دگرگون کردن برگه های بازی های سیاسی باعث شده تا او آتش بیار فتنه و جنگ داخلی سنی و شیعه از سال ۲۰۰۳ تا کنون شود.او در سال گذشته تلاش کرد از اوضاع پیش آمده در عراق سوء استفاده کند و با ایجاد بی اعتمادی و ایجاد کینه در دو طرف منازعه جنگ شیعه و سنی را شعله ورتر کند. او به مقامات ارشد و افراد بارز حزب بعث و خانواده صدام پناه داد و از آنها حمایت کرد و اجازه داد تا اربیسل به اتاق عملیات آنها برای شعله ور کردن جنگ داخلی در عراق تبدیل شود. برای این که حزب بعث و مسعود مصالح مشترکی در این جنگ طایفه ای داشتند. این گروه های بعضی اقدام به استفاده از گروه های تروریستی به عنوان پیاده نظام خود کردند و آنها را از سراسر کره خاکی به استخدام خود در آوردند و به کمک مالی و لجستیکی مسعود آنها را به کشتار شیعیان فرستادند. به گونه ای که خاک عراق را تبدیل به شعله ملتهیی کردند، البته به استثنای اقلیم کردستان که تنها دره امان باقی ماند تا مسعود از آن استفاده های اقتصادی و سیاسی فراوان به حساب افراد نادان شیعی و سنی کند، یعنی آنها می جنگند و کردها استفاده می کنند.

به این ترتیب کردها عملا به حاکمان فعلی عراق تبدیل شدند.

مسعود زمانی شوکه شد که دید جریانی در بغداد رو در روی او ایستاده، جریانی که بیش از همه به ملی گرایی نزدیک است، جریانی به رهبری نوری مالکی با چهره های شیعه و سنی آن که کشورهای منطقه برای سرنگونی قانونی و انتخاباتی آن دست و پا می زنند. وقتی که ترکیه و قطر از طریق داعش و نقشبندیه برای سرنگونی مالکی عراق را ویران کردند، طبیعی است تنها کسی که از این وضعیت سود ببرد مسعود بارزانی است.

اکنون مسعود گمان می کند اوضاع تا آخر به سود او پیش خواهد رفت.

در حالی که این جنگ در مراحل پایانی آن است، جنگ داخلی سنی شیعی بیش از این طول نخواهد کشید و دوام نخواهد آورد برای این که در افق توافقی عربستانی – ایرانی با همراهی امریکا مشاهده می شود. افراد هوشمند در عربستان و ایران اجازه نمی دهند که اربیل بیش از این از وضعیت سوء استفاده کند و فراتر از قد و قواره خود عمل کند، بعد از آن جنگ عربی کردی آغاز خواهد شد که جنگی بی امان خواهد بود که کردها شکست خوردگان اصلی آن خواهند بود، برای این که بیشتر شهرهای آنها نزدیک به شهرهای عربی هستند، به ویژه اربیل و کرکوک و دهوک، یعنی این که این شهرها در تیررس آتش بارهای گروه های مسلح سنی هستند که اخیرا ایجاد شده اند و قرار است با انواع و اقسام سلاح ها مورد حمایت کشورهای عربی حوزه خلیج فارس قرار بگیرند، برای این که سنی های کشورهای عربی حوزه خلیج فارس اجازه نمی دهند که سنی های عراق در مناطق بیابانی محصور باقی بمانند. این مناطق سنی نشین همانند جزیره ای هستند که موصل و کرکوک سنی نشین را نیز شامل می شوند.

مسعود شیعیان را از دست داد، آنها دیگر با او نمی ایستند و ترکیه نیز حمایت خود را از پشت او برداشت و امریکا نیز قطعا هم پیمانان عربش را برای چشم های مسعود رها نخواهد کرد.

به این ترتیب مسعود رو در رو در برابر طوفان عربی سنی قرار خواهد گرفت و اقلیم کردستان را به عرصه ای برای رویارویی تحت شعار اقلیم سنی تبدیل خواهد کرد.

✽ **دیپلماسی ایرانی**

نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی

دوهفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: سیدهادی خسروشاهی
سردبیر: سید محمود خسروشاهیدفتر مرکزی: قم / خیابان شهدا (مفاتیح) / نبش ممتاز
تلفکس: ۰۲۶۳۱۴۳۷۴۴ صندوق پستی: ۱۳۶ چاپ: ولیعصر

سایت‌های مرکز

مرکز بررسی‌های اسلامی: www.iscq.ir

استاد خسروشاهی: www.khosroshahi.org

پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

شماره‌های نشریه بعثت

از سال ۱۳۸۷ به بعد، در سایت مرکز

بررسی‌های اسلامی به نشانی: www.iscq.ir

در دسترس می‌باشد

شماره‌های ۷ و ۸ دو فصلنامه
«کتاب شیعه» منتشر شد

شماره های توأمان ۷ و ۸ دو فصلنامه تخصصی مؤسسه کتاب شناسی شیعه، تحت عنوان «کتاب شیعه» منتشر شد. دو شماره توأمان این دو فصلنامه تخصصی دارای عنوان «ویژه نامه اجازات» است. این دو فصلنامه که در ۶۲۴ صفحه منتشر شده و صاحب امتیاز آن مؤسسه کتاب شناسی شیعه و مرکز آن در شهر قم است، زیر نظر مشاوران علمی تهیه، تدوین و تنظیم می شود و در این شماره های توأمان حاوی سرمقاله، مقالاتی با عناوین «اجازةالحديث، حقیقت ها و اثرها و طریقهٔ احیائها (المسیر و المصیر)»، «تقیه در عمل: سفرهای بهاءالدین عاملی در قلمرو عثمانی»، «نکاتی از اجازات بحارالانوار»، «گونه ها و کارکردهای اجازات حدیثی در سده های دوازدهم (هـ ق) در ایران»، «مجمع تألیف الفت»، «کتاب اجازات سید حسین کرکی اولین کتاب اجازات شیعه»، «مستدرک اجازات فهرستگان»، «اجازه به مثابه گونه ای ادبی: مطالعه موردی اجازات شیخ بهایی» و همچنین نقد و معرفی اجازات مختلف می باشد.

در بخشی از سرمقاله این دو فصلنامه آمده است:

«... معمولاً کتاب یک دانش پژوه از استادش درس می گرفت یادداشتی بر پیشانی آن نقش می بست. یادداشتی که نام و نشان دانش پژوه ار نشان دهد و ضمناً نشان دهد که او در چه زمان و مکانی این کتاب را نزد کدامین استاد فرا گرفته یا تصحیح کرده و از چه طریقی این کتاب به او رسیده است. این یادداشت «اجازه» نام داشت و هر کتابی که بدین سان به دست فردی نمی رسید، در اصطلاح عنوان «وجاده» داشت، یعنی که آن فرد این کتاب را یافته نه اینکه با واسطه یا بی واسطه از مؤلف تلقی کرده است. بدین روی کتاب وجاده ای، هرگز ارزش کتاب اجازه ای را نداشت.

به تعبیر دیگر، اجازه روایت، عامل اصلی و کلیدی در ارزیابی یک اثر مکتوب علمی بود. بدین جهت، اساتید و عالمان به اجازه روایت اهتمام داشتند و هزاران سند تحت عنوان های مشابه همچون: اجازه تدریس، اجازه روایت کتاب، اجازه خطابه، اجازه خطاطی، اجازه طبابت، اجازه اجتهاد و مانند آنها صادر شد. این اجازات پیوندی میان نسل های پیشین با آیندگان برقرار می کرد و به مثابه شناسنامه علمی در دست هر دانشوری بود که هویت دانشی او را نشان دهد...»

به گزارش شبکه اجتهاد، کتاب «تحریر مبانی تکملة المنهاج» اثر آقای پنهام دارابی از دانش آموختگان دانشگاه مذاهب اسلامی از سوی مجمع علمی و فرهنگی مجد منتشر شد.

نگارنده کتاب دانش آموخته کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه مذاهب اسلامی و دانشجوی دکتری تخصصی فقه و حقوق جزای دانشگاه خوارزمی و مدرس دانشگاه است.

در مقدمه این کتاب آمده است:

بخش جزایی حقوق اسلامی برخلاف عبادات و معاملات که در صحنه زندگی مسلمانان حضور جدی داشته است و در ساحت عمل، دقت‌های علمی فراوان در آن صورت گرفته، در حد تئوری باقی مانده است. می‌توان ادعا کرد آنچه در طی سالیان و طول عمر دانش فقه مانع از درخشش لازم بخش جزایی این دانش شده است عدم اجرای آن بوده است. آشنایان با دانش فقه و کتب و متون آن می‌دانند که در بسیاری موارد، آنجا که می‌بایست معرکه آراء و نظرات و نقدهای دقیق می‌گشت با این عبارت که فایده‌ای بر این مباحث مترتب نیست

از آن گذشته‌اند.

پس از انقلاب اسلامی ایران و ورود فقه جزایی به عرصه قانون‌گذاری- اتفاقی که قرن‌ها پیش‌تر در مورد بخش مدنی فقه در مجله احکام عدلیه در امپراتوری عثمانی افتاده بود- نیاز به اجتهادهای نو در عرصه فقه جزایی ملموس‌تر گردید.

آیت‌الله سید ابوالقاسم موسوی خویی (۱۳۱۷-۱۴۱۳ هـ ق) از نخستین کسانی است که درصدد برآمد دقت بیشتری به این مباحث نماید، لذا «تکملة المنهاج» را نگاشت که شامل قضاء، شهادات، حدود، تعزیرات، قصاص و دیات است؛ بخش‌هایی از فقه که در «منهاج الصالحین» نگاشته نمی‌شد.

«مبانی تکملة المنهاج» حاصل این احساس نیاز به‌جا است و از معدود آثار مستقل در فقه جزایی استدلالی محسوب می‌شود که بر پایه نظریه اجرای حدود در زمان غیبت استوار است؛ که مصنف در همین کتاب بر این نظریه تأکید و استدلال می‌نماید.

آیت‌الله‌خویی، به‌عنوان فقهی از مکتب نجف، به‌خوبی روش فقهی این حوزه را نمایندگی می‌کند.

«از عاشورای حسین(ع) تا عاشورای ما» در تازه‌ترین شماره خیمه

درپاسخ به سؤالی حکم فقهی تعزیه و شبیه‌خوانی، همچنین استفاده از آلات موسیقی در تعزیه را بررسی کرده است.

البته در پاسخ‌هایی که از ناحیه این فقها بیان شده به رسم فقهایی گذشته به ادله فقهی نظریات آنها نیز اشاره شده و گاهی در پاسخ، توضیحات مفصلی درباره ادله فقهی حکم آنها آمده است. فقه‌های معاصر نیز اگرچه با توجه به تنوع و گستردگی عزاداری در زمان حاضر، با سؤالات فراوان مقلدین خویش درباره احکام عزاداری روبه‌رویند به علت بعضی مصالح مذهبی و اجتماعی از اظهار نظر صریح درباره بعضی مسائل فقهی عزاداری خودداری می‌کنند و فقط به صورت کلی به سؤالات عزاداری پاسخ می‌گویند؛ از این رو آثار معدودی که درباره فقه عزاداری موجود است به کسانی تعلق دارد که می‌خواهند به توجیه روش‌های نامتعارفی از عزاداری همچون قمه‌زنی بپردازند و فعالیت آنها بیشتر ترویجی- تبلیغی است نه تحقیقی؛ به هر حال به نسبت اهمیت و گستردگی موضوع فقه عزاداری باید گفت که آثار موجود در این خصوص، اندک و انگشت شمار است و بحث‌های فقهی بسیار کمی در این باره صورت گرفته است.

پرونده‌ای هم در این شماره ماهنامه خیمه به «اولین دوره کتاب سال عاشورا» اختصاص دارد و به سرفصل‌هایی مانند: جایزه دعبل یک آغاز دیرنگام، «شعر» موفق‌ترین حوزه ادبی در عاشورا نویسی، وجوه گمشده: پژوهش، داستان و داستان، ماهمچنان فقیریم می‌توان اشاره کرد.

انتشار دومین شماره
دوره جدید فرهنگ اسلامی

دومین شماره دوره جدید فرهنگ اسلامی به صاحب امتیازی دفتر نشر فرهنگ اسلامی، مدیر مسئولی علی‌اکبر اشعری و سردبیری محمدحسن زورق منتشر شد.

سخن نخست سردبیر این شماره عنوان «بیدارتر از این را بر خود دارد» و در بخش «خبر و نظر» این مطالب را می‌خوانید: «بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای مجمع جهانی اهل بیت(ع) و اتحادیه رادیو- تلویزیون‌های اسلامی، اخبار. در بخش ادبیات این شماره فرهنگ اسلامی در کنار گلچین

شعر این مطلب به چاپ رسیده است: تجلی شعر تعلیمی در ادبیات معاصر تاجیکستان(علیرضا قزوه)
عناوین دیگر مطالب این شماره فرهنگ اسلامی به این شرح است: وحدت اسلامی ضرورتی برای امروز(مقصود حسین)، برنامه‌های دولت آمریکا برای زنان افغانستان، بایسته‌های فرهنگ حیا در جامعه اسلامی، موقعیت ژئوپلیتیک و استراتژیک فلسطین(حسین روبروان)، بحرین در یک نگاه، میزگرد «فلسفه اسلامی ملاحظرا و جهان امروز» با حضور علی‌اکبر اشعری، حسن بشیر، سیدحسن حسینی، ان‌شاءالله رحمتی، سیدجواد میری و... گفت و گوی دکتر محمدحسن زورق با حضرت آیت‌الله مصطفوی (نگارناید میراث فلسفه اسلامی از دست برود)... شماره جدید فرهنگ اسلامی در ۲۶۸ صفحه و با بهای ۷۵۰۰ تومان منتشر شده است.



اما معمولاً در دو باب فقهی از آن سخن گفته می‌شود:

۱- در تممه کتاب «طهارت» که به تناسب موضوع تسکین و کفن و دفن میت از احکام و قوانین عزاداری برای میت نیز سخن گفته می‌شود.

۲- در کتاب «ظهار و ایلاء» که به دلیل بحث درباره کفارات از بعضی صورت‌های عزاداری که موجب ثبوت کفاره می‌شود نیز بحث می‌شود.

روایات فقهی این بحث معمولاً در ذیل همین دو باب در کتاب‌های حدیثی شیعه همچون «وسائل‌الشیعه» آمده است.

با این حال درباره قوانین و احکام فقهی عزاداری ائمه اطهار علیهم‌السلام به ویژه حضرت سیدالشهدا(ع) هیچ بحثی در کتاب‌های فقه فتوایی و حتی کتاب‌های فقه استدلالی متأخر شیعه همچون «جواهرالکلام» به دلیل بحث درباره احکام عزاداری برای عموم اموات، اشاره مختصر و گذرا نسبت به عزاداری امام حسین(ع) نیز شده است.

نظریات فقهایی متأخر شیعه نیز معمولاً در قالب پاسخ به سؤالات مقلدان بیان شده و در توضیح‌المسائل‌ها یا کتاب‌های فقه استدلالی متأخرین، بحث مستقلی درباره فقه عزاداری دیده نمی‌شود. به نظر می‌رسد اولین کتابی که در پاسخ به سؤالات، مطالبی را درباره احکام فقهی عزاداری امام حسین(ع) بیان کرده، کتاب «مقام‌الفضل» آقا محمد علی بن وحید بهبهانی کرمانشاهی است. وی

شماره ۶۶ «متین» منتشر شد

شصت و ششمین شماره پژوهشنامه «متین» به صاحب امتیازی پژوهشکده امام خمینی(س) و انقلاب اسلامی، مدیر مسئولی مجید انصاری و سردبیری سیدمحمد موسوی بجنوردی منتشر شد.عناوین مطالب این شماره به شرح زیر است:

امکان وقوع ایقاعات به نحو فضولی با رویکردی بر نظر امام خمینی(س) (علی‌اکبر ایزدی‌فرد، محمدحسین تقی‌پور)، پزشک خانواده، تحقق عدالت در سلامت با رویکردی به آرای امام خمینی(س) (سید محمد موسوی بجنوردی، محسن داورزنی)، آثار فقهی نظریه تأویل با رویکردی بر آرای امام خمینی(رامین‌پور سعید).

توثیق اسناد تجاری در حقوق ایران با رویکردی بر نظر امام خمینی (ابراهیم تقی‌زاده)، طریق معرفت(دیدگاه عارفانه امام خمینی درباره معرفت صحیح و واقعی) (فاطمه شریف فخر)، ولایت تکوینی انسان سالک در قرآن با تأکید بر آرای امام خمینی(س) (سعیده غروی، طاهره محسنی)، بررسی امکان و وقوع منع متابعت از قطع با رویکرد به آرای امام خمینی(س) (علیرضا هدایی، محمدرضا حمیدی)، چکیده مقالات به زبان انگلیسی.

